

صالح:

در برابر طالبان مقاومت می کنیم

صفحه ۲

تأکید بر توقف فوری حملات بر شهرها؛
شرکت کنندگان اجلاس قطر:
حکومت تحمیلی را نمی پذیریم

صفحه ۳

فانوسی در توفان

از تاریخ نویسی تا تأسیس آموزشگاه خصوصی
در یکی از ناامن ترین مناطق افغانستان



صفحه ۵

درآمدی بر «مقاومت عاری از خشونت» (۷)

صفحه ۶

یادداشت روز

نفس های صلح، هنوز هم می تپد

پس از ماهها مذاکره، امیدستن، چانه زنی های
پیدا و پنهان، شکل گیری گروه های سیاسی
داخلی، منطقه ای و بین المللی برای روند
سیاسی دوحه، ناگهان روند مذاکرات صلح به
حاشیه رفت. از کابل، دولتمردان مستقر در
ارگ ریاست جمهوری، بر طبل پاکستان ستیزی،
قهرمان تراشی، تهدید و ارباب، صدور هشدار
و نفرین به طالب کوبید و نسخه هایی برای
حکومت داری، نقشه های راه توافق سیاسی، مذاکره
و صلح و جنگ پیچیدند که صرفاً از پنجره ای
دید ارگ ریاست جمهوری مقبول می افتاد. در
طرف مقابل، طالبان از دوحه، کویت، پیشاور و
میدان جنگ، عزم فتح کشور و لعن و نفرین
کفر و الحاد و اجنبی و غلام و برده ی شرق و
غرب جزم کردند.

پس از آن که پاکستان ستیزی و شعار طالب کشی
و شکستن زانو ی این گروه از کابل آغاز شد، در
طرف دیگر جنگ، ولع تسخیر و حمله و تصرف
بیدار شد. در حملاتی سریع و سهمگین، ده ها
ولسوالی در چند هفته در سراسر کشور سقوط
کرد...

۲

طالبان هشت شهر دیگر از جمله هرات، قندهار و لشکرگاه را تصرف کردند

در ادامه ی پیش روی های طالبان، این گروه ادعا کرده است که شهرهای هرات، قلعه نو و فیروز کوه در زون غرب، لشکرگاه در جنوب غرب، شهرهای قندهار، قلات و ترینکوت در زون جنوب و شهر پل علم در جنوب کابل را نیز تصرف کرده است.



صفحه ۲

ترجمه ۴

وضعیت امروز افغانستان، نتیجه ی دروغ و فریب است حکومت امریکا حنا بر سوء قصد طالبان به جان دیک چینى سرپوش گذاشت.

پیش رفت. ایست بازرسی دوم دست سربازان امریکایی بود. بمب گذار انتحاری نرسیده به این ایست، در میان تجمع عابران پیاده و ازدحام وسایل نقلیه، واسکت انتحاری خود را منفجر کرد...

صبح روز ۲۷ فیبروری ۲۰۰۷، بمب گذار انتحاری با موتر توپوتا کروالی خود به پایگاه هوایی بگرام نزدیک شد. او ماهرانه از ایست بازرسی نیروهای پولیس افغانستان گذشت و حدود ۴۰۰ متر به سمت ورودی اصلی پایگاه

تولش ۷



سقوط هرات؛

شکست مقاومت مردمی و زندگی زیر پرچم طالبان

در چشم برهم زدن ولایت های هرات، بادغیس و غور به گونه ی کامل روز پنجشنبه، ۲۱ اسد به دست طالبان سقوط کرد و دو روز قبل هم ولایت فراه به کنترل...

تولش

اتهام اخلاص صدها میلیون افغانی؛ رییس مبارزه با جرایم سنگین فساد با ۳۶ فرد دیگر ممنوع الخروج اند

اسناد نشان می دهد که محمدظریف علم ستانکزی، رییس دادستانی مبارزه با جرایم سنگین فساد اداری با ۱۷ فرد دیگر از مسئولان پیشین ریاست املاک دولتی وزارت مالیه، وزارت صحت عامه و شماری از نهادهای خصوصی متهم به سوء استفاده و «اختلاس» صدها میلیون افغانی از راه قراردادهای اجاره ی ملکیت های دولتی اند. تمام متهمان به شمول ۲۰ فرد دیگر در پرونده در هشتم دلو ۱۳۹۹ ممنوع الخروج شده اند.

صورت دعوی این پرونده در ۲۷ حوت ۱۳۹۹ از سوی دادگاه ابتدائیه رسیدگی به جرایم سنگین فساد اداری برای رفع خلاها و نواقص...

۳

New Semester
July 31, 2021

Join us to Actualize your Academic Dreams!

0747 994 244
0745 651 844
0747 918 200

شعبه کوه سگی: گولابی دوخانله، ایستگاه سابقه.
شعبه برجی: ایستگاه بغازه، رویروی جلیلی ستر.
شعبه سلیم کلون: سردک جهل متره، چهارپایه سلیم کلون.

خانه
موفقیت
The
TOEFL HOUSE
Unlock the World with TOEFL

TOEFL House



طالبان هشت شهر دیگر از جمله هرات، قندهار و لشکرگاه را تصرف کردند

بار حملات تهاجمی طالبان بر این شهر از سوی نیروهای امنیتی و دفاعی عقب زده شده بود.

شهرهای هرات، قندهار و لشکرگاه سه شهر مهم و استراتژیک افغانستان است. هرات با ایران و ترکمنستان و قندهار و لشکرگاه با پاکستان مرز مشترک دارند. طالبان پیش از این گذرگاه‌های اسلام‌قلعه و تورغندی در هرات و اسپین‌بولدک در قندهار را تصرف کرده بودند.

طالبان مدعی اند که از تاریخ ۱۵ ماه اسد به این طرف ۱۸ شهر کشور را تصرف کرده‌اند. زرنج و لشکرگاه در جنوب‌غرب، هرات، فراه، قلعه‌نو و فیروزکوه در غرب، قندهار، قلات و ترینکوت در جنوب، غزنی در جنوب‌شرق، فیض‌آباد، تالقان، قندوز و پلخمری در شمال‌شرق، ایبک، سرپل و شبرغان در زون شمال کشور و شهر پل‌علم در جنوب کابل از شهرهایی اند که تا کنون به‌دست طالبان افتاده است.



و غیرنظامی این ولایت به لوی ارتش مستقر در این ولایت عقب‌نشینی کرده‌اند. همین طور، طالبان ادعا کرده‌اند که شهرهای قندهار، قلات، ترینکوت و لشکرگاه را نیز تصرف کرده‌اند. منابع رسمی دولتی در این ولایات هنوز در مورد سقوط چیزی نگفته‌اند. شهرهای لشکرگاه و قندهار، دو شهر بزرگ کشور از مدت‌ها به این طرف در محاصره‌ی شدید طالبان قرار داشت. چندین

ولایتی بادغیس به روزنامه اطلاعات روز گفت که مقام‌های نظامی و غیرنظامی این ولایت به مقر لوی ارتش عقب‌نشینی کرده‌اند. با سقوط شهر قلعه‌نو، تمامی بخش‌های بادغیس در اختیار طالبان قرار گرفته است.

در ولایت غور نیز خبرنگاران محلی می‌گویند که شهر فیروزکوه بدون درگیری به‌دست طالبان افتاده است. مقام‌های نظامی

اطلاعات روز: در ادامه‌ی پیش‌روی‌های طالبان، این گروه ادعا کرده است که شهرهای هرات، قلعه‌نو و فیروزکوه در زون غرب، لشکرگاه در جنوب‌غرب، شهرهای قندهار، قلات و ترینکوت در زون جنوب و شهر پل‌علم در جنوب کابل را نیز تصرف کرده است.

منابع رسمی دولتی تا کنون در این باره ابراز نظری نکرده‌اند و تماس‌های اطلاعات روز برای دریافت اطلاعات از مسئولان در این ولایات نیز بی‌نتیجه بوده است.

خبرنگار روزنامه اطلاعات روز در زون غرب کشور نیز می‌گوید که طالبان در تمامی بخش‌های شهر هرات حضور دارند. والی هرات و اسماعیل خان، فرمانده نیروهای بسیج مردمی پس از عقب‌نشینی به قول اردوی ۲۰۷ ظفر به طالبان تسلیم شده‌اند. در شهر هرات تمامی رسانه‌های صوتی و تصویری فعالیت‌شان را متوقف کرده‌اند.

با این حال، عبدالعزیز بیگ، رییس شورای

صالح:

در برابر طالبان مقاومت می‌کنیم

اطلاعات روز: امرالله صالح، معاون نخست ریاست‌جمهوری در توبتی نوشته است که در جلسه‌ی دیروز، جمعه به ریاست رییس‌جمهور اشرف غنی، با «قاطعیت و عزم راسخ» تصمیم گرفته شده است تا در برابر طالبان مقاومت و ایستادگی صورت گیرد.

آقای صالح همچنین در صفحه‌ی فیسبوک خود نوشته است که دولت با تمام امکانات و منابع از مقاومت ملی در برابر طالبان حمایت می‌کند. به‌گفته‌ی صالح، تمام امکانات مورد ضرورت در اختیار قوای مسلح و مقاومت ملی قرار می‌گیرد.

این درحالی است که طالبان از تاریخ ۱۵ ماه جاری خورشیدی تا کنون مراکز ۱۸ ولایت را تصرف کرده‌اند. شهرهای قلات، ترینکوت و پل‌علم در جریان دیروز به تصرف طالبان درآمده است. با سقوط شهر پل‌علم، طالبان تا ۵۰ کیلومتری کابل رسیده‌اند.

همزمان با تشدید حملات طالبان، نمایندگان شماری از کشورهای منطقه و جهان و نیز سازمان ملل و اتحادیه اروپا خواهان توقف خشونت‌ها و حملات بر مراکز ولایات و شهرها شده‌اند. آنان در یک بیانیه‌ی مشترک که از سوی وزارت خارجه‌ی قطر منتشر شده، گفته‌اند که حکومتی که با استفاده از راه نظامی در افغانستان تحمیل شود، را به رسمیت نمی‌شناسند.

سقوط شهر هرات:

طالبان با اسماعیل خان عکس یادگاری گرفتند

چند روز پیش وقتی که حملات طالبان بر حومه‌های شهر هرات آغاز شد، اسماعیل خان رهبری نیروهای بسیج مردمی را بر عهده گرفت. افراد تحت امر او در کمربندهای امنیتی شهر هرات حضور داشتند.

در روزهای نخست درگیری افزون بر اسماعیل خان، عبدالصبور قانع، والی هرات و کامران علی‌زایی، رییس شورای ولایتی این ولایت نیز در خطوط جنگ دیده می‌شدند.

دو روز پیش والی، فرمانده پولیس، رییس امنیت ملی و اسماعیل خان از شهر هرات به قول اردوی ۲۰۷ ظفر رفته بودند.

اطلاعات روز علی‌رغم تلاش‌های زیاد، موفق نشده است که دیدگاه منابع رسمی و نیز اسماعیل خان، کامران علی‌زایی و والی هرات را کسب کند.

مدعی شده است که هزاران نیروی امنیتی نیز با افراد یا شده به این گروه پیوسته‌اند. تصاویر منتشر شده در شبکه‌های اجتماعی نیز محمد اسماعیل خان، فرمانده نیروهای بسیج مردمی در این ولایت را در میان جمعی از اعضای گروه طالبان نشان می‌دهد.

همزمان با این، تصویر کامران علی‌زایی، رییس شورای ولایتی هرات نیز در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده که او را در میان جمعی از اعضای طالبان نشان می‌دهد. گزارش شده است که او به گروه طالبان تسلیم شده است.

طالبان در مورد پیوستن کامران علی‌زایی به این گروه چیزی نگفته است، اما در ویدیویی از سخنرانی عبدالصبور قانع در جمع طالبان منتشر شده، آقای علی‌زایی نیز دیده می‌شود.



اطلاعات روز: به دنبال سقوط شهر هرات، طالبان ادعا کرده‌اند که محمد اسماعیل خان، فرمانده نیروهای مقاومت مردمی، عبدالصبور قانع، والی هرات، عبدالرحمان رحمان، معین ارشد امنیتی وزارت داخله، خیال‌نبی احمدزی، فرمانده قول اردوی ۲۰۷ ظفر و حسیب صدیقی، رییس امنیت ملی هرات به این گروه پیوسته‌اند.

گروه طالبان در اعلامیه‌ای، همچنین

یک لین برق وارداتی به اثر جنگ در بغلان قطع شد

پیش در ساحه‌ی گزان ولسوالی خنجان قطع شده است.

با قطع شدن این لین، جریان برق وارداتی نیز قطع شده است.

شرکت برشنا گفته است که تیم ولتاژ بلند این شرکت تلاش دارد که با ختم جنگ و بهبود وضعیت امنیتی برای وصل دوباره‌ی لین به ساحه بروند.



اطلاعات روز: شرکت برق‌رسانی افغانستان (برشنا) اعلام کرده است که یک لین برق وارداتی در ولسوالی خنجان ولایت بغلان به اثر جنگ قطع شده است.

این شرکت دیروز (جمعه، ۲۲ اسد) در اطلاعیه‌ای، گفته است که این لین حوالی ساعت ۹:۲۰ دقیقه‌ی دو شب

تظاهرات دانشجویان افغانستان در هند:

جامعه جهانی در برابر «جنایات» طالبان خاموش نباشد

جامعه جهانی خواسته‌اند تا در برابر این «جنایات» خاموشی اختیار نکند.

تلاش جدی برای تأمین صلح و حمایت از نیروهای دفاعی و امنیتی افغانستان و نیز مردم این کشور که در برابر طالبان و دیگر گروه‌های تروریستی بین‌المللی مبارزه می‌کنند، از دیگر خواست‌های دانشجویان از جامعه جهانی است که در این قطع‌نامه مطرح شده است.

دانشجویان از کمیساریای عالی سازمان ملل برای مهاجران نیز خواسته‌اند تا در قسمت تهیه‌ی سرپناه و مواد غذایی برای آوارگان جنگ افغانستان، توجه کند.

این درحالی است که در نتیجه‌ی حملات اخیر طالبان، هزاران خانواده از سراسر کشور مناطق اصلی‌شان را ترک کرده و به شهرهای نسبتاً امن‌تر، از جمله کابل پناه آورده‌اند.

بردارند. در قطع‌نامه از پاکستان به‌صورت مشخص به‌عنوان کشور حامی طالبان یاد شده است.

دانشجویان افغانستان مقیم هند در این قطع‌نامه گفته‌اند که «در مناطق زیر کنترل طالبان جنایاتی چون جهادالنکاح، ازدواج اجباری و ازدواج زیر سن» به وقع پیوسته است. این دانشجویان از



درازمدت و صلح عادلانه تن دهد. در قطع‌نامه همچنین از جامعه جهانی خواسته شده است که طالبان را تحریم کرده و به رهبران این گروه اجازه‌ی سفر آزادانه را ندهد.

در این قطع‌نامه بر اعمال فشار بر کشورهای حامی طالبان نیز تأکید شده است تا دست از حمایت طالبان

اطلاعات روز: شماری از دانشجویان افغانستان در دانشگاه پنجابی - پتیلا ایالت پنجاب هند دیروز (جمعه، ۲۲ اسد) با راه‌اندازی تظاهراتی، علیه «جنایات» طالبان و کشورهای حامی این گروه شعار دادند. مخاطب خواست‌های این دانشجویان جامعه جهانی و سازمان ملل بوده است.

آنان شعارهای چون «ما صلح می‌خواهیم»، «خشونت را در افغانستان توقف دهید»، «جان افغان‌ها مهم است»، «مردم افغانستان مستحق صلح هستند»، «پاکستان را تحریم کنید» و «مردم افغانستان را فراموش نکنید» را با خود حمل کرده‌اند.

آنان در یک قطع‌نامه‌ی هشت ماده‌ای، از جامعه جهانی خواسته‌اند که بر طالبان فشار بیاورد تا این گروه به آتش‌بس

با سقوط این ولسوالی‌ها، هزاران غیرنظامی کشته و مجروح شدند. هزاران خانه ویران و ده‌ها هزار خانواده آواره شدند. تنور ویرانی، آوارگی، خونریزی و وحشت برای جوشاندن روح و روان مردم افغانستان، شعله گرفت. ده‌ها هزار خانواده از سراسر کشور، بار و بندیل‌شان را بستند تا فقط به جایی برسند که از گزند گلوله، حملات هوایی دولت، حملات چریکی طالبان و جنگ و خون در امان بمانند. شهرها و ولسوالی‌های امن، محل ورود و اتراق هزاران آواره‌ی متواری شدند که نمی‌دانستند به‌زودی، دوباره و چندباره آواره و متواری خواهند شد.

سناریوی سقوط ولسوالی‌ها که پایان یافت، خشم و هشدار و تهدید کابل بازهم فعال شد. شعار «شکستن زانوی طالب» و فراخوان غیرمستقیم اعلام جنگ با پاکستان و طالبان، هرچند در تهیه‌ی احساسات و عواطف جنگ‌زده مقبول به‌نظر می‌رسید اما کارآمدی جز کاستن از قتلیله‌ی تلاش‌ها و انگیزه‌های مذاکره و توافق سیاسی نداشت.

پاسخ طالب به تهدید کابل، سنگین‌تر بود. دورخیز طالب برای دشت‌کردن شهرها و مراکز ولایات آغاز شد. فقط در چند روز، حملاتی سهمگین طالبان، بیش از ده شهر و مراکز ولایات را درنوردید. تبعات انسانی موج دوم حملات، تبدیل به یک فاجعه شده است. آوارگان باز هم، جابجا شدند. صدها هزار خانواده، از این شهر به آن شهر و از این کوتل به آن دره، سرانجام به مناطق ظاهراً امن و به‌خصوص به کابل سرازیر شدند.

بدون غذا، بدون سرپناه، بدون پوشاک و دریایی از اندوه، بیچارگی و فقر. موج فرار، رها کردن خانه و سرمایه و زندگی، فروش اموال و املاک، ترس سهمگین و بریدن مطلق آخرین قطرات امید از آینده و استقرار آرامش در سرزمین‌شان، چون کوهی از زمین برخاست. اکنون افغانستان در تنور بحران، ترس، فاجعه‌ی انسانی، آوارگی میلیونی می‌سوزد. به‌نظر می‌رسد ایستگاه آخر مسیری که در پیش داریم، یک جهنم واقعی باشد. فروپاشی همه چیز در همه‌جا و سقوط به یک هرج و مرج کامل، جنگ داخلی و جنگ همه علیه همه.

این مسیر خون‌بار که ممکن است رقت‌بارتر هم شود، زاده‌ی چیست؟ واقع این است که عطش دولتمردان افغانستان برای صدور تهدید و هشدار و ولع طالبان برای فتح و کشتار و تصرف، این سرزمین رو به سوختگی را به پرتگاه نابودی همه‌چیز کشانده است. گیریم دولت افغانستان یا طالبان، موفق به شکستن زانوی یکدیگر شدند و بر کرسی اقتدار نشستند، نشانند پرچم حاکمیت بر بلندترین بام ارگ حاکمیت یک سرزمین سوخته، ویران، نشسته در فاجعه و سراسر فلاکت، چه افتخار و چه حرمتی دارد؟

آیا طالبان چنان‌که بر طبل برجسته‌شدن‌اش کوبیده می‌شود، نیرویی است که مأموریت دارد افغانستان را به ویرانی بنشانند؟ اگر چنین است که تبصره‌ای ندارد. اگر چنین نیست، تداوم این هجوم و حمله، جز ویرانی و خونریزی چه به خورجین طالب می‌افزاید؟

افغانستان سرزمین حاکمیت حاکمان تفنگ و شلاق‌به‌دست نخواهد شد. چه این شلاق به دست ملامت‌الله باشد، یا به دست غنی. هر کس و گروهی که مدعی حاکمیت بر کشور است،

پیش از هر چیزی باید ثابت کند که صلاحیت و مشروعیت اخلاقی و انسانی حاکمیت بر یک جغرافیای ۳۷ میلیونی را دارد. مردم افغانستان از جای جای کشور، این صلاحیت و مشروعیت را صرفاً به کس و کسانی تحویل خواهند داد که با تعهد بر مصالحه و مذاکره، به چهار دهه خونریزی جنون‌آمیز نقطه‌ی پایان بگذارند. قهرمان عصر امروز افغانستان، گروهی است که بتواند از فرصت تاریخی فعلی استفاده کرده و نقطه‌ی پایان بر چهل سال ویرانی و خونریزی بگذارد.

هنوز هم، نفس‌های صلح افغانستان زنده است. هنوز هم مجال و زمینه‌ی نشستن بر میزهای مذاکره و چانه‌زنی و معلق کردن شلیک از میله‌های تفنگ وجود دارد و می‌تواند افغانستان را از این فاجعه و تاریکی به آرامش و امنیت بکشاند. مسیر رفتن به این مجال تاریخی، از هر جا و طریقی می‌گذرد، جز تداوم حمله و خصومت و خونریزی. آن‌هایی که مدعی زعامت بر افغانستان هستند، باید ثابت کنند که کمرهاشان را برای ویرانی نبسته‌اند. سیر اتفاقات کنونی، جز به ویرانی، به هیچ منزلی نمی‌رسد. جنون ویرانی و نشانند میلیون‌ها انسان به باتلاق بحران و فلاکت و فاجعه را متوقف کنید. هنوز هم نفس‌های صلح می‌تپد.

اتهام اختلاس صدها میلیون افغانی؛ رییس مبارزه با جرایم سنگین فساد با ۳۶ فرد دیگر ممنوع الخروج اند

لیاقت لایق
گزارشگر

اسناد نشان می‌دهد که محمدظریف علم ستانکزی، رییس دادستانی مبارزه با جرایم سنگین فساد اداری با ۱۷ فرد دیگر از مسئولان پیشین ریاست املاک دولتی وزارت مالیه، وزارت صحت عامه و شماری از نهادهای خصوصی متهم به سوءاستفاده و «اختلاس» صدها میلیون افغانی از راه قراردادهای اجاره‌ای ملکیت‌های دولتی‌اند. تمام متهمان به‌شمول ۲۰ فرد دیگر دخیل در پرونده در هشتم دلو ۱۳۹۹ ممنوع‌الخروج شده‌اند.

صورت دعوی این پرونده در ۲۷ حوت ۱۳۹۹ از سوی دادگاه ابتدائیه رسیدگی به جرایم سنگین فساد اداری برای رفع خلاها و نواقص پژوهشی به دادستانی مبارزه با جرایم سنگین فساد اداری برگردانده شده است. این دادستانی از چهار ماه به این‌سو، از زمان استخدام آقای ستانکزی به‌حیث رییس دادستانی مبارزه با جرایم سنگین فساد اداری، تاکنون به آن رسیدگی نکرده است. منابع می‌گویند که مسئولان دادستانی مبارزه با جرایم سنگین فساد اداری پرونده را برخلاف مسئولیت‌های قانونی نزدشان نگهداشته و آن را دوباره به دادگاه نفرستاده‌اند. مسئولان دادستانی کل در این مورد پاسخ نمی‌دهند.

محمدظریف علم ستانکزی، رییس پیشین ریاست املاک دولتی وزارت مالیه، در پنجم حمل ۱۴۰۰ با پیشنهاد سرپرست دادستانی کل و حکم رییس‌جمهور به ریاست دادستانی مبارزه با جرایم سنگین فساد اداری استخدام شده است. درحالی‌که نام او در فهرستی «اختلاس» دارایی‌های عامه ممنوع‌الخروج شده‌اند. کارشناسان حقوقی می‌گویند که استخدام افراد متهم در بست‌های کلیدی نهادهای عدلی و قضایی با استفاده از خلاهای قانونی که وجود دارد می‌تواند روند رسیدگی به قضایای جرمی را آسیب بزند. در قوانین افغانستان، متهم تا زمان حکم دادگاه باصلاحیت می‌تواند با قید ضمانت آزاد باشد. همچنان به گفته‌ی کارشناسان درباره‌ی این‌که چه تدابیری در برابر متهمان اتخاذ شود تا خود آنان بر پرونده‌ی جرمی‌شان دست بالا پیدا نکنند خلاء قانونی وجود دارد.

اتهام‌ها چیست؟

اتهام‌نامه‌ی دادستانی مبارزه با جرایم سنگین فساد اداری در ۱۲ دلو ۱۳۹۹ نشان می‌دهد که در قراردادهای اجاره و کرایه‌ی شماری از املاک دولتی مربوط به سال‌های ۱۳۹۰ به این‌سو قوانین نقض شده که در پی آن بیش از ۴۰۰ میلیون افغانی عواید آن «غدر» یا «اختلاس» شده است. غدر در کد جزای افغانستان در زیر مجموعه‌ی جرم «اختلاس» به کاری گفته می‌شود که شخص از راه قراردادهای اجاره یا عواید گمرکی منفعت غیرقانونی به‌دست بیاورد. در ۱۳ قرارداد کرایه و اجاره‌ی املاک دولتی قوانین نقض شده و شرطنامه‌ی آن عمل نشده است که در پی آن از هرکدام آن ده‌ها میلیون



افغانی «اختلاس» و به دولت ضرر وارد شده است.

به گونه‌ی نمونه، مسئولان پیشین ریاست املاک دولتی که قبلاً در ساختار تشکیلاتی وزارت مالیه بوده‌اند، بیش از هشت هزار متر مربع زمین ساحه‌ی پلان شهری در کوه‌سنگی غرب کابل را برخلاف قانون و بدون موافقه‌ی شهرداری به شخصی به‌نام شفیق‌الله اجاره داده‌اند. در این قرارداد هدف و نوع فعالیت و همچنان روش پرداخت وجه اجاره‌ی زمین قراردادی مبهم بوده و مطابق قانون تنظیم امور زمینداری و قانون شهرداری‌ها عمل نشده است. در بخشی از دلایل اتهام آمده است که هدف و نوع فعالیت در این قرارداد به گونه‌ی مبهم ذخیره‌گاه مواد ساختمانی، تجارتی و پارکینگ موثر بوده اما در آن مارکیت ساخته شده است. در اتهام‌نامه آمده است که اجاره‌کننده به گونه‌ی خودسر در زمین دولتی فعالیت کرده و از سوی مسئولان پیشین ریاست کنترل دولتی نیز نظارت و کنترل نشده است. از این‌رو سالانه ۶۰ میلیون افغانی به دولت ضرر وارد شده است. دادستانی نوشته‌اند که مسئولان ریاست املاک دولتی در این کار با شخص اجاره‌کننده هم‌دست بوده و عمداً براساس تبانی و سازش با او مکلفیت‌های نظارتی‌شان را بالای قرارداد انجام نداده‌اند. بنابر سنجش دادستان‌ها در مجموع ۱۸۰ میلیون افغانی در این قرارداد از نزد افراد مسئول قابل استرداد یا پس‌گیری است.

در قرارداد اجاره‌ی یک مارکیت دولتی زیر نام «برکت» در مرکز شهر کابل نیز در مجموع ۲۱ میلیون و ۵۰۰ هزار افغانی قابل مسترد شدن به دولت سنجش شده است. این قرارداد با

شخصی به‌نام عبدالقسیم امضا شده است که او نیز به‌حیث شریک جرمی با مسئولان پیشین ریاست املاک دولتی مسئول شناخته شده است.

در قرارداد اجاره‌ی مارکیت دولتی «برکت» نیز هدف و نوع فعالیت مبهم بوده و قانون شهرداری، برنامه‌ی شهری و قانون تنظیم امور زمینداری در آن عمل نشده است. از سوی دیگر قرارداد مارکیت دولتی «برکت» از حمل ۱۳۹۵ تا حمل ۱۳۹۷ بی‌سرنوشت بوده و به داوطلبی داده نشده است. در موردی مسئولان دولتی به گونه‌ی پرسش‌برانگیز مانع اشتراک شماری از داوطلبان در روند تدارکاتی شده‌اند. درحالی‌که عبدالقسیم اجاره‌کننده‌ی این مارکیت نیز آن را تخلیه نکرده و از آن بدون هیچ قراردادی استفاده کرده است.

در نمونه‌ی دیگر، شخص اجاره‌کننده دوهزار و ۴۵۰ متر مربع زمین را اضافه‌تر از قرارداد زمین دولتی در ساحه‌ی «پکتیا کوت» کابل استفاده کرده است. در زمین قراردادی براساس بررسی‌ها پنج‌هزار و ۲۱۰ متر مربع زمین را تثبیت شده است. درحالی‌که در قرارداد دوهزار و ۷۶۰ متر مربع زمین اجاره داده شده است. از سوی دیگر این قرارداد از حمل ۱۳۹۶ تا کنون تمدید نشده است که شخص اجاره‌کننده ظاهراً بدون قرارداد از زمین استفاده کرده است.

همچنان قرارداد اجاره یک هزار و ۶۵۰ متر مربع زمین در محوطه‌ی «گمرک کابل» نیز از قوس ۱۳۹۷ تا کنون تمدید نشده است. ظاهراً اجاره‌کننده بدون قرارداد از زمین استفاده کرده است.

براساس یافته‌های هیأت دادستانی ایهام و نقض قوانین در قرارداد اجاره ۱۴ باب دکان دولتی

مربوط به پشتی بانک نیز باعث شده که حدود ۲۰۰ میلیون افغانی به دولت ضرر وارد شود. این مقدار پول بنابر «تبانی و سازش» از نزد اجاره‌کننده حاصل نشده است. از میان ۱۴ باب دکان، تنها دو دکان از طریق رقابت آزاد به اجاره یا کرایه داده شده است. درحالی‌که ۱۰ دکان دیگر بدون داوطلبی انجام شده و قرارداد دو دکان دیگر نیز مبهم بوده است. هیأت دادستانی در اتهام‌نامه نوشته‌اند که اگر این دکان‌ها به داوطلبی گذاشته می‌شد از آن سالانه ده‌ها میلیون افغانی به عواید دولت اضافه می‌شد.

در قرارداد زمین برای «کانتین» شفاخانه وزیر اکبرخان، ۲۰ متر مربع زمین اضافه‌تر از زمین قراردادی استفاده شده است. هیأت دادستانی نوشته‌اند که در پی آن بیشتر از سه میلیون و ۵۰۰ هزار افغانی به دولت ضرر وارد شده است. در این قرارداد ماده‌ی ۱۳۲۵ قانون مدنی نیز نقض شده است که براساس آن مدت این نوع قرارداد از سه سال بیشتر بوده نمی‌تواند.

همین‌گونه در قرارداد اجاره‌ی زمین برای کانتین شفاخانه انتانی نیز ۷۳۱ هزار و ۶۴۰ افغانی از نزد اجاره‌کننده حاصل نشده است. در اتهام‌نامه‌ی هیأت دادستانی آمده است که مسئولان دولتی بنابر دلایل نامعلوم این دارایی را مطابق قرارداد آن به عبدالنافع، شخص اجاره‌کننده نسپردند. در پی این خلاف ورزی این قرارداد از میزان ۱۳۹۷ تا میزان ۱۳۹۹ بدون سرنوشت مانده و از این سبب صدها میلیون افغانی به دولت ضرر وارد شده است.

در قرارداد زمین برای کانتین شفاخانه ملای زیوتون، بنابر نبود نظارت و مراقبت، ۱۲ متر مربع زمین اضافه‌تر از قرارداد استفاده شده است. در این قرارداد محمد آجان، رییس پیشین مراقبت و بهره داری املاک دولتی مسئول شناخته شده است. در اتهام‌نامه آمده است که آقای محمدآجان «تبانی و سازش» با شخص اجاره‌کننده عمداً وظیفه‌ی نظارتی و مراقبتی‌اش را انجام نداده است. همین‌گونه در قرارداد اجاره‌ی زمین برای کانتین شفاخانه‌ی

صحت طفل نیز ۲۰ متر مربع زمین «تصاحب و اضافه‌ستانی» شده است.

۴۷۹ متر مربع زمین برای نصب تبلیغات در میدان هوایی [کابل] نیز به مدت یک و نیم سال از سوی مسئولان ریاست املاک دولتی به دلایل نامعلوم بی‌سرنوشت مانده است. گرچند که به داوطلبی گذاشته شده و چندین داوطلب هم برای قرارداد آن وجود داشته است اما در این مدت هیچ‌گونه قراردادی نشده و از این خاطر ۱۲ میلیون ۹۳۳ هزار افغانی به دولت ضرر وارد شده است. دادستان‌ها نوشته‌اند که در این کار مسئولان ریاست املاک دولتی ماده‌ی ۱۳۷۶ قانون مدنی را نقض کرده‌اند.

۴۳ هزار و ۵۴۰ متر مربع زمین در «هده‌ی قندهار» نیز مورد «اختلاس» و سوء استفاده قرار گرفته است. در اتهام‌نامه‌ی دادستانی شخصی بنام عبدالخلیل اجاره‌کننده این زمین به حیث شریک جرم شناخته شده است. عبدالخلیل برخلاف قانون و قرارداد سرخودانه ۲۲ باب دکان در زمین قراردادی ساخته است. همچنان از این میان، هزاران متر مربع زمین بدون استعلام قانونی از تصرف شهرداری خارج شده است.

متهمان در برابر پژوهش‌های دادستان‌ها گفته‌اند که در قراردادهای کرایه و اجاره‌ی املاک دولتی غیرقانونی عمل نکرده‌اند. گاهی مسئولیت را از خود رد کرده به دوش شماری از افراد و مسئولان دیگر انداخته‌اند.

ریاست املاک دولتی در سال‌های اخیر از وزارت مالیه به وزارت شهرسازی و اراضی انتقال کرده است. پس از آن وزیر شهرسازی و اراضی در اسد ۱۳۹۸، هیأتی را برای بررسی قراردادهای کرایه و اجاره‌ی ریاست املاک دولتی موظف کرد. یافته‌های این هیأت از سوی اداره‌ی امور ریاست‌جمهوری در جدی ۱۳۹۸ به دادستانی کل و از آنجا به دادستانی مبارزه با جرایم سنگین فساد اداری فرستاده شده است. از آن زمان تاکنون پژوهش‌های این پرونده در دادستانی اختصاصی مبارزه با جرایم سنگین فساد اداری تکمیل نشده است. تا این‌که اخیراً محمدظریف علم ستانکزی که در بیشتر از قراردادهای در این پرونده مسئول شناخته شده است به‌حیث دادستانی مبارزه با جرایم سنگین فساد اداری استخدام شده است.

هرسال مسئولان دادستانی کل آمار می‌دهند که سالانه به صدها پرونده‌ی مربوط به فساد اداری رسیدگی می‌کنند. در ماه آخر سال گذشته‌ی خورشیدی سخن‌گوی دادستانی کل افغانستان اعلام کرد که تنها در سال ۱۳۹۹ به حدود ۱۸۰۰ پرونده‌ی فساد اداری رسیدگی شده است. از این میان ۲۶۶ پرونده مربوط به جرایم سنگین فساد اداری بوده است.

فساد اداری یکی از چالش‌های بزرگ دولت افغانستان است. در نشست ژنوی ۲۰۲۰، جامعه‌ی جهانی کمک‌های مالی به افغانستان را برای چهار سال آینده مشروط به مبارزه با فساد اداری کرد. از این‌رو دولت افغانستان در نشست ژنو تعهد کرد که در سه سال آینده رسیدگی به پرونده‌های فساد اداری را تا ۵۰ درصد افزایش دهد.

اتهام‌نامه‌ی دادستانی مبارزه با جرایم سنگین فساد اداری در ۱۲ دلو ۱۳۹۹ نشان می‌دهد که در قراردادهای اجاره و کرایه‌ی شماری از املاک دولتی مربوط به سال‌های ۱۳۹۰ به این‌سو قوانین نقض شده که در پی آن بیش از ۴۰۰ میلیون افغانی عواید آن «غدر» یا «اختلاس» شده است. غدر در کد جزای افغانستان در زیر مجموعه‌ی جرم «اختلاس» به کاری گفته می‌شود که شخص از راه قراردادهای اجاره یا عواید گمرکی منفعت غیرقانونی به‌دست بیاورد.

تأکید بر توقف فوری حملات بر شهرها؛ شرکت‌کنندگان اجلاس قطر:

حکومت تحمیلی را نمی‌پذیریم

باعث تداوم درگیری‌ها می‌شود و تلاش‌های صلح را نیز با دشواری مواجه می‌کند.

در بخشی از بیانیه آمده است که شرکت‌کنندگان این نشست تعهد کرده‌اند که پس از دست‌یابی دولت افغانستان و گروه طالبان به یک راه‌حل دوامدار، به بازسازی افغانستان کمک می‌کنند.

اجلاس قطر درحالی برگزار شد که حملات طالبان به‌منظور تصرف اراضی بیشتر از چند روز به این طرف تشدید یافته است. این گروه مدعی است که از تاریخ ۱۵ اسد تا کنون مراکز ۱۸ ولایت را تصرف کرده‌اند. چند شهر مرزی و استراتژیک، از جمله هرات، قندهار، لشکرگاه، فیض‌آباد، قندوز و شبرغان نیز شامل این شهرها هستند.

شده و از دولت و طالبان خواسته شده است تا مطابق به این اصول عمل کنند.

این اصول شامل «حاکمیت فراگیر»، «احترام به حقوق بشر (حقوق زنان و اقلیت‌ها)»، «میکانیسمی برای ایجاد حکومت نمایندگی»، «تعهد به این‌که به هیچ فرد یا گروهی اجازه داده نمی‌شود تا از خاک افغانستان برای تهدید امنیت سایر کشورها استفاده شود» و «احترام به قوانین بین‌المللی، از جمله حقوق بشر دوسستانه‌ی بین‌المللی» می‌شوند.

شرکت‌کنندگان نشست بین‌المللی در دوحه در مورد گزارش‌هایی از ادامه‌ی خشونت، تلفات و کشتار غیرنظامیان، نقض حقوق بشر و حملات زمینی و هوایی در مراکز ولایات ابراز نگرانی کرده‌اند. به‌گفته‌ی آنان، تخریب زیرساخت‌ها

دیدار و درباره‌ی چالش‌ها و فرصت‌های روند صلح گفت‌وگو کرده‌اند.

در بیانیه‌ای که پس از این دیدارها از سوی وزارت خارجه‌ی قطر منتشر شده، آمده است که شرکت‌کنندگان نشست بین‌المللی در مورد افغانستان بر ضرورت تسریع روند صلح به‌عنوان یک موضوع فوری برای مذاکره در مورد پیشنهادات هر دو طرف [هیأت‌های مذاکره‌کننده‌ی دولت و طالبان]، توافق کرده‌اند.

طبق این بیانیه، شرکت‌کنندگان این نشست از دو طرف خواسته‌اند تا برای اعتمادسازی و تسریع تلاش‌ها برای دست‌یابی به راه‌حل سیاسی و آتش‌بس جامع در اسرع وقت گام بردارند.

در بیانیه برای رسیدن به راه‌حل سیاسی پنج اصل معرفی

اطلاعات روز: نمایندگان کشورهای امریکا، چین، ازبیکستان، پاکستان، انگلستان، قطر، آلمان، هند، ناروی، تاجیکستان، ترکیه و ترکمنستان و نمایندگان سازمان ملل و اتحادیه اروپا در یک بیانیه خواهان توقف فوری خشونت‌ها و حملات بر مراکز ولایات و دیگر شهرهای افغانستان شده‌اند. آنان گفته‌اند که هیچ حکومتی را که از راه نظامی در افغانستان تحمیل شود، به رسمیت نمی‌شناسند.

در تاریخ ۱۹ اسد میان نمایندگان کشورهای امریکا، چین، ازبیکستان، پاکستان، انگلستان، قطر و نمایندگان سازمان ملل و اتحادیه اروپا در شهر دوحه دیدار کرده‌اند.

به دنبال آن، در تاریخ ۲۱ اسد نمایندگان آلمان، هند، ناروی، قطر، تاجیکستان، ترکیه و ترکمنستان با هیأت‌های مذاکره‌کننده‌ی جمهوری اسلامی افغانستان و گروه طالبان

وضعیت امروز افغانستان، نتیجه‌ی دروغ و فریب است

حکومت امریکا حتا بر سوء قصد طالبان به جان دیک چینی سرپوش گذاشت.

اوایل، برای بسیاری از مقامات واشنگتن دشوار بود که باور کنند طالبان می‌تواند یک خطر استراتژیک خلق کند. حتا برخی از رهبران نظامی طالبان را در این مورد دست‌کم گرفته و تصور می‌کردند که هرچند طالب امکان دارد بخش‌هایی از مناطق روستایی افغانستان را تحت کنترل داشته باشد اما تهدیدی برای حکومت در کابل به‌شمار نمی‌رود. بریدجنرال برنارد شامپوکس، معاون فرمانده یگان رزمی ارتش امریکا از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۵ در مصاحبه با تاریخ شفاهی ارتش می‌گوید: «ما فکر می‌کردی که توانایی طالبان به‌شدت کاهش یافته‌است.»

تورن نیروهای ویژه پاول تولان که در سال ۲۰۰۵ در ولایت هلمند خدمت کرده، می‌گوید که مقامات ارشد ایالات متحده به اشتباه این جنگ را مأموریت حفظ صلح و بازسازی تلقی کردند و او سعی می‌کرد

اما شیرین بیانی جنرال‌ها چیزی نبود که ارزیابی اطلاعاتی یک ساله مبنی بر قدرت‌گرفتن شورشیان نشان می‌داد. در ماه فبروری ۲۰۰۶، رونالد نیومن، سفیر ایالات متحده در افغانستان در یک پیام دیپلماتیک محرمانه به مقامات در واشنگتن گفت که یک رهبر طالبان به امریکا هشدار داده است که «ساعت دست شماس، زمان دست ما.»

یک مقاوم دولت بوش که نامش فاش نشده است، به‌مصاحبه‌کنندگان تاریخ‌شفاهی گفته که مقامات امریکایی مستقر در افغانستان با توجه به افزایش حملات انتحاری و بمب‌های کنار جاده‌ای (تاکتیک‌هایی که شورشیان از عراق وارد افغانستان کرده بودند) در گفت‌وگوهای خصوصی نگران آغاز «حمله‌ای به سبک حمله عید تت در فندهار» بودند. منظور او از «حمله عید تت»، لشکرکشی خونین نیروهای ویتنام شمالی در سال

۱۷، بدون حادثه‌ای دیگر، ترک کرد. در همان دوران که ارتش امریکا با بازخیزش طالبان دست‌وپنجه نرم می‌کردند، امریکا جنگی به مراتب بزرگ‌تر در عراق راه‌انداخته بود و وضعیتی به مراتب بدتر از وضعیت نظامیان امریکا در افغانستان داشت. در عراق ۱۵۰ هزار سرباز امریکایی، یعنی شش برابر تعداد سربازان امریکایی مستقر در آن‌زمان در افغانستان، در باتلاق جنگ گرفتار شده بودند. عراق برای امریکا فاجعه آفریده بود و حکومت بوش هرگز نمی‌خواست مردم تصور کنند که امریکا در افغانستان نیز شکست می‌خورد.

در نتیجه با آغاز سال جدید، فرماندهان امریکایی مستقر در افغانستان سطح جدیدی از خوش‌بینی را از خود نشان دادند که آن‌قدر بی‌اساس و بی‌مایه بود که رفته رفته اظهارات و خوش‌بینی آن‌ها به کمپین دروغ‌پراکنی تبدیل شد.

به روی این واقعیت گشود که بگرام مکان امنی نیست. شورشیان مستقیماً رخنه کرده بودند.»

ماجرای سال ۲۰۰۷ بیان‌گر تشدید جنگ در دو جبهه بود. طالبان با تلاش برای شکار معاون رییس‌جمهور در پایگاه محافظت‌شده‌ی بگرام توانایی خود را در راه‌اندازی حملات کلان با تلفات گسترده و در ساحات دور از قلمرو شورشیان در جنوب و شرق افغانستان نشان دادند. و ارتش ایالات متحده با مخفی کردن این حقیقت که شورشیان خود را تا بیخ گوش معاون رییس‌جمهور امریکا رسانده بودند، در باتلاق فریب و دروغ‌گویی به مردم در خصوص جنبه‌های متفاوت این جنگ غرق شد. آنچه به‌عنوان افشاگری‌های گزینشی و خودخواهانه پس از حمله ۲۰۰۱ آغاز شد، به تدریج به تحریف‌های عمدی و سرانجام دروغ‌یافی و ارائه داستان‌های به‌شدت ساختگی تبدیل شد.

این گزارش از کتاب واشنگتن پست تحت عنوان «اسناد محرمانه جنگ افغانستان» که در تاریخ ۳۱ اگست منتشر خواهد شد، برگرفته شده است. این کتاب براساس مصاحبه با بیش از ۱ هزار نفر که نقش مستقیم در این جنگ داشته‌اند و همچنین براساس هزاران صفحه سند به‌دست‌آمده طبق «قانون آزادی اطلاعات» ایالات متحده، روایتی است تاریخی از اشتباهات امریکا در افغانستان.

این مصاحبه‌ها و اسناد که اکثراً قبل از این منتشر نشده بود، نشان می‌دهد که چگونه اداره رییس‌جمهور جورج دبلیو بوش، باراک اوباما و دونالد ترامپ برای دو دهه حقیقت را از مردم پنهان کردند. آن حقیقت این بود که امریکا به تدریج در جنگی شکست می‌خورد که امریکایی‌ها زمانی با قاطعیت از آن حمایت می‌کردند. رهبران سیاسی و نظامی امریکا به‌جای بیان این حقیقت، تصمیم گرفتند تا بر اشتباهات خود سرپوش بگذارند و اجازه دهند جنگ ادامه یابد. حالا اداره بایدن در زمانی تصمیم به پایان‌دادن به این جنگ و خروج از افغانستان گرفته که طالبان قدرت‌مندتر از هر زمان دیگری پس از سال ۲۰۰۱ هستند.

برای اداره بوش و متحدانش در ناتو و افغانستان، ماه‌های منتهی به سفر دیک چینی به افغانستان در سال ۲۰۰۷ دوران وحشتناکی بود. تعداد حملات انتحاری در سال ۲۰۰۶ تقریباً پنج برابر شده بود و تعداد بمب‌های کنار جاده‌ای در مقایسه با سال قبل دو برابر شده بود. لانه‌های مرزی طالبان در پاکستان این مشکل را دامن می‌زد.

دیک چینی قبل از ورود به بگرام، در اسلام‌آباد با پرویز مشرف، رییس‌جمهور پاکستان ملاقات کرده بود تا از وی بخواهد که طالبان را سرکوب کند. مرد شماره‌یک پاکستان وعده هیچ کمکی نداده بود و گفته بود که حکومتش «حداکثر تلاش خود را کرده است.»

مقامات نظامی ایالات متحده برخلاف اظهارات و بیانیه‌های علنی خود به حدی نگران حمله طالبان بر دیک چینی در مسیر بین بگرام و کابل بودند که نیرنگی را به کار بستند

برنامه این بود که دیک چینی از دروازه‌ای که به ندرت مورد استفاده قرار می‌گرفت، خارج شود. و قرار بود همراهان دیک چینی به‌عنوان طعمه سوار شاسی‌بلندهایی شوند که معمولاً برای مقامات ارشد اختصاص داده می‌شود. قرار بود دالریمپل، فرمانده جوان ارتش، معاون رییس‌جمهور را در موتر نظامی مجهز با یک مسلسل تا کابل همراهی کند. به این دلیل که به گفته دالریمپل: «آن‌ها [شورشیان] هرگز انتظار نداشتند که دیک چینی سوار موتر نظامی مجهز با یک مسلسل باشد.»

اما این برنامه پس از حمله انتحاری لغو شد. مقامات نظامی تصمیم گرفتند که سفر زمینی برای دیک چینی تا کابل بیش از حد خطرناک است. او منتظر ماند تا هوا روشن شود و برای دیدار با کرزی به کابل پرواز کند. دیک چینی سرانجام بعد از ظهر آن‌روز افغانستان را سوار بر هواپیمای نظامی سی-

کریگ ویتلاک، واشنگتن پست

مترجم: جلیل پژواک

صبح روز ۲۷ فبروری ۲۰۰۷، بمب‌گذار انتحاری با موتر تویوتا کروولای خود به پایگاه هوایی بگرام نزدیک شد. او ماهرانه از ایست بازرسی نیروهای پولیس افغانستان گذشت و حدود ۴۰۰ متر به سمت ورودی اصلی پایگاه پیش رفت. ایست بازرسی دوم دست سربازان امریکایی بود. بمب‌گذار انتحاری نرسیده به این ایست، در میان تجمع عابران پیاده و ازدحام وسایل نقلیه، واسکت انتحاری خود را منفجر کرد.

در آن انفجار ۲۰ کارگر افغان کشته شدند. آن‌ها به دنبال کار به پایگاه بگرام آمده بودند. دو سرباز امریکایی و یک سرباز کوریایی جنوبی عضو ائتلاف نظامی بین‌المللی مستقر در افغانستان نیز جان خود را از دست دادند. او اولین سرباز کوریایی جنوبی پس از جنگ ویتنام است که در یک جنگ خارجی جان باخت.

کسی که آسیب ندیده بود، مهمان ویژه پایگاه هوایی بگرام، «دیک چینی»، معاون رییس‌جمهور ایالات متحده بود.

دیک چینی یک روز قبل در سفری اعلام‌نشده وارد منطقه جنگی افغانستان شده بود. او از اسلام‌آباد با «بر فورس ۲» به کابل پرواز کرده بود و برنامه داشت فقط چند ساعت در افغانستان برای ملاقات با رییس‌جمهور کرزی بماند. اما شرایط بد جوی مانع رفتن او به کابل شده بود و به این دلیل دیک چینی شب را در پایگاه هوایی بگرام سپری کرده بود. پایگاه بگرام در ۳۰ مایلی پایتخت افغانستان در آن‌زمان ۹ هزار پرسنل داشت.

چند ساعت پس از بمب‌گذاری انتحاری، طالبان با خبرنگاران تماس گرفتند تا مسئولیت حمله را به عهده بگیرند و نیز بگویند که دیک چینی هدف این حمله بوده. مقامات ارتش امریکا شورشیان طالب را مسخره کرده و به نشر و پخش دروغ متهم کردند. آن‌ها گفتند که معاون رییس‌جمهور یک مایل از انفجار فاصله داشت و هرگز در معرض خطر نبود. آن‌ها تأکید داشتند که گروه طالبان قادر نیست در چنین مدت کوتاهی، حمله‌ای را علیه دیک چینی برنامه‌ریزی کند، به‌ویژه با توجه به این‌که برنامه سفر معاون رییس‌جمهور در آخرین لحظه تغییر کرده بود. دگروال «تام کالینز»، سخن‌گوی نیروهای امریکایی و ناتو به خبرنگاران گفت: «ادعای طالبان مبنی براین‌که آن‌ها به دنبال معاون رییس‌جمهور بودند، مضحک است.»

اما این مقامات ارتش امریکا بودند که حقیقت را پنهان می‌کردند.

تورن «شاون دالریمپل»، یکی از فرماندهان «لشکر ۸۲ هوابرد» ارتش امریکا که مسئولیت تأمین امنیت بگرام را در آن‌زمان به عهده داشت، در گفت‌وگو با مصاحبه‌کنندگان «تاریخ شفاهی ارتش ایالات متحده» تأیید کرده است که اطلاعات درباره حضور دیک چینی به بگرام به بیرون درز کرده بود. او می‌افزاید که مهاجم انتحاری کاروانی از موترهایی را که از دروازه جلویی پایگاه بگرام خارج می‌شد، مشاهده کرده و با این تصور که دیک چینی یکی از سرنشینان این موترهاست خود را منفجر کرده بود.

اما بمب‌گذار طالبان خیلی کم خطا کرده بود. دالریمپل، که آن‌روز با «سرویس مخفی» امریکا برای برنامه‌ریزی سفر معاون رییس‌جمهور همکاری می‌کرد، می‌گوید که طبق برنامه‌ریزی آن‌ها، معاون رییس‌جمهور قرار بود آن‌روز حدود ۳۰ دقیقه بعد با کاروانی دیگر عازم کابل شود.

دالریمپل در مصاحبه خود می‌گوید: «شورشیان این را می‌دانستند. مهم نبود چقدر برای مخفی نگه‌داشتن سفر تلاش شده بود، اما خبرش همه جا پخش شده بود. شورشیان کاروانی شامل یک وسیله نقلیه تقویت‌شده زرهی را دیده بودند که داشت از دروازه پایگاه خارج می‌شد. آن‌ها فکر کرده بودند که این همان کاروان دیک چینی است... این حادثه چشم‌های زیادی را



برای هرکسی که به حرفش گوش می‌دهد، توضیح دهد که جنگ شدت و طالبان قدرت گرفته‌اند. او در مصاحبه با تاریخ شفاهی ارتش هشدار می‌دهد که «اگر این کار را درست انجام ندهیم، به این افراد اجازه می‌دهیم ما را از پیروزی بازدارند.» اما اداره بوش هشدارهای داخلی را سرکوب کرد و در مورد جنگ دروغ گفت. دونالد رامسفلد، وزیر دفاع امریکا در مصاحبه ماه دسامبر ۲۰۰۵ خود با سی‌ان‌ان گفت که اوضاع در افغانستان آن‌قدر به خوبی پیش می‌رود که پنتاگون به‌زودی نزدیک به ده درصد از نیروهایش را از افغانستان به خانه می‌آورد. او اعلام کرد: «این نتیجه‌ی مستقیم پیشرفت‌هایی است که در کشور انجام می‌شود.»

اما دو ماه بعد دفتر رامسفلد و سایر مقامات در واشنگتن هشدار محرمانه دیگری از سفیر خود در کابل دریافت کردند.

نیومن در ۲۱ فبروری ۲۰۰۶ در پیامی نگران پیش‌بینی کرد که «خشونت طی چند ماه پیش‌رو افزایش می‌یابد»، بمب‌گذاری‌های انتحاری در کابل و دیگر شهرهای بزرگ بیشتر می‌شود. او لانه‌های امن طالبان در پاکستان را مسئول دانست و هشدار داد که اگر به مسأله پناه‌گاه طالبان رسیدگی نشود، می‌تواند «برای ایالات متحده منجر به ظهور مجدد همان تهدید استراتژیکی شود که ما را چهار سال پیش به مداخله وا داشت.» به عبارت دیگر، او از یک یازده سپتامبر دیگر

۱۹۶۸ است که باعث کاهش حمایت مردم امریکا از جنگ ویتنام شد. این مقام گفته که «در پایان سال ۲۰۰۵ و آغاز سال ۲۰۰۶ ما با نقطه عطفی در جنگ روبرو شدیم، وقتی به این واقعیت برخوردیم که در افغانستان شورشی وود دارد که می‌تواند واقعا ما را شکست دهد. اواخر سال ۲۰۰۵ همه چیز در مسیر اشتباه روان بود.» نیومن در جولای سال ۲۰۰۵ به‌عنوان دیپلمات ارشد امریکا وارد کابل شد. او به‌عنوان پسر سفیر سابق ایالات متحده در کابل، در سال ۱۹۶۷ به‌عنوان جوان تازه ازدواج کرده تابستان دل‌پذیری را در این کشور گذرانده بود. نیومن در آن زمان که صلح در افغانستان برقرار بود، به سرتاسر این کشور سفر کرده بود، اردو زده بود، و اسب و گاو میش سواری کرده بود.

وقتی نیومن ۳۸ سال بعد به افغانستان بازگشت، این کشور را یک ربع قرن را به صورت مداوم در جنگ سپری کرده بود. نیومن بلافاصله به مافوق خود در واشنگتن گفت که آنچه واضح است این است که خشونت در آستانه شدیدتر شدن است.

نیومن در گفت‌وگو با مصاحبه‌کنندگان تاریخ شفاهی ارتش: «در خزان سال ۲۰۰۵، من همراه با جنرال ایکنبری گزارش دادم که در سال آینده، یعنی سال ۲۰۰۶، ما با

شورش‌های فزاینده روبرو خواهیم شد و این بار جنگ خونین‌تر و به مراتب بدتر خواهد بود.»

تورن جنرال رابرت دورین، فرمانده مأموریت امریکا برای آموزش نیروهای افغانستان، در ۹ جنوری سال ۲۰۰۷ به خبرنگاران گفت: «ما در حال غلبه هستیم.» او افزود که ارتش و پولیس افغانستان «هر روز پیشرفت‌های بزرگ را از خود نشان می‌دهند.»

تورن جنرال بنیامین فریکلی، فرمانده لشکر دهم کوهستانی ارتش امریکا، چند هفته بعد ارزیابی خوش‌بینانه‌تری ارائه کرد و در یک کنفرانس خبری در ۲۷ جنوری گفت: «ما پیروز می‌شویم.» به‌رغم افزایش بمب‌گذاری‌های انتحاری از یک سال قبل، او اعلام کرد که نیروهای امریکایی و افغانستان «پیشرفت بزرگ» کرده‌اند و «طالبان و تروریست‌هایی را که در هر جا با این ملت مخالف هستند، شکست دادند.»

فریکلی گفت که شورشیان در افغانستان «به هیچ‌یک از اهداف خود نرسیدند» و «به سرعت زمان شان به پایان می‌رسد.» او افزایش حملات انتحاری طالبان را نشانه «بی‌چارگی» طالبان دانست. سه روز بعد، کارل ایکنبری، جنرال سه ستاره ارتش امریکا به برلین رفت تا حمایت عمومی اروپا از نیروهای ناتو را تقویت کند. او گفت که متحدان ناتو در سال ۲۰۰۷ «برای موفقیت آماده هستند» و گفت که طالبان را وحشت فرا گرفته.

ایکنبری افزود: «ارزیابی ما این است که آن‌ها می‌بینند که زمان بر ضد آن‌ها پیش می‌رود.»

فانوسی در توفان

از تاریخ‌نویسی تا تأسیس آموزشگاه خصوصی در یکی از ناامن‌ترین مناطق افغانستان

هرج و مرج و بی‌دولتی مطلق، بعد از سقوط حکومت داکتر نجیب و شروع جنگ‌های داخلی عبدالله عاطفی در سال ۱۹۹۵ مجبور شد افغانستان را ترک کند، ابتدا به پاکستان رفت و بعد از مدتی دوباره به اوکراین، اما این بار در قامت یک مهاجر و آواره، به نظر می‌رسید یأس و ناامیدی کامل از وضعیت او را به انزوا می‌کشاند اما او در آنجا به تداوم فعالیت‌های سیاسی و فکری‌اش مشغول شد و نشریه «عبرت» و نشریه سیاسی «خپلواکی» را پخش و نشر می‌کرد. او در سال‌هایی که افغان‌ها بر سر مسائل قومی و هویتی هم‌دیگر را به گلوله می‌بستند، به دنبال هویت گم‌شده‌ای افغان‌ها می‌گشت و تمام تلاشش را به خرج می‌داد تا هویت‌های چهل‌تکه افغان‌ها را انسجام بخشد. او مشکل را در نبود چیزی به نام «ملت» می‌دید. عاطفی باور داشت که افغان‌ها ظرفیت ملت‌شدن را دارند و تمام اتباع افغانستان برای نجات از وضعیت ناگوار بایستی به ریسمان ملت‌شدن متوسل شوند. برای نایل شدن به این مطلوب او با تحقیقات دامنه‌دار می‌خواست به ریشه‌ها بازگردد و اصالت افغان‌ها را به عنوان مقتدرترین مردمان شرق نشان بدهد. براینده این پژوهش‌ها

نوشتن چندین مقاله به زبان روسی، تعداد زیاد مصاحبه و گفت‌وگو با روس‌ها و ایرانی‌ها، سرودن چندین مجموعه شعر با درون‌مایه‌های ملی-میهنی (که از این میان فقط مجموعه‌ای تحت نام «یون» به چاپ می‌رسد) و نوشتن یک کتاب تاریخی و پژوهی تحت نام «سلطانان شرق» می‌باشد که هنوز به چاپ نرسیده است. این کتاب تاریخی در سه جلد طرح شده است. جلد اول در باره اوستا، جلد دوم درباره ریگ ویدا و جلد سوم دوره اسلامی را شامل می‌شود. طبق برآورد دوستان و نزدیکان آقای عاطفی هر جلد این کتاب حدود ۸۰۰ صفحه است و او در این سال‌ها در حال تصحیح و بازبینی این متن بوده است. او زبان خود را در این تحقیق قابل نقد می‌دانست و از این رو کار کتاب کاملاً به اتمام نرسیده بود. این کتاب به همکاری خانم آقای عاطفی نوشته شده است. قرار بود رییس‌جمهور افغانستان در پروسه چاپ این کتاب به عبدالله عاطفی کمک مالی کند.

بعد از نابودی موقتی طالبان و پایان امارت اسلامی عاطفی دوباره از اوکراین به افغانستان. او از همان ابتدا از حکومت کابل ناامید شده بود و ترجیح داد به‌جای کار در نهادهای دولتی به زادگاهش برگردد. در آنجا به شغل معلمی مشغول شد و همچنان به کارهای ادبی و فکری هم می‌پرداخت. به‌رغم این‌که به‌دلیل فعالیت‌های فکری و روشن‌گرایی‌اش چندین بار از طرف گروه‌های رادیکال دینی و طالبان تهدید به مرگ شده بود، در زمستان سال ۱۳۹۱ یک مرکز آموزشی ایجاد کرد که مضامین ساینسی را در آن تدریس می‌کرد. به باور او آشنایی با علوم ساینسی و مدرن از نیازهای ضروری جامعه است و ما باید تلاش کنیم نسل جدید را با این علوم آشنا بسازیم. در کنار این‌ها، تپش و علاقه‌مندی او به کار اجتماعی و سیاسی باعث شد در سال ۲۰۱۴ خودش را در انتخابات پارلمانی کاندید کند اما بنا به دلایلی موفق نشد به پارلمان راه پیدا کند.

در منطقه‌ای که طالبان در آن حاکم است و بعید به‌نظر می‌رسد که کسی بتواند با کتاب و قلم آشنایی داشته باشد او کتاب‌خانه شخصی داشت، به کودکان آموزش می‌داد و از علوم روز برای آن‌ها می‌گفت. چون او به زبان‌های روسی، اردو، پشتو، فارسی، انگلیسی و عربی مسلط بود برای انجام کارهای پژوهشی‌اش منابع فراوان به این زبان‌ها در کتاب‌خانه‌اش گردآوری کرده بود... وقتی طالبان، در تاریخ ۱۳ اسد او را شبانگاه از خانه‌اش بیرون کردند او به آن‌ها گفت «می‌توانید مرا بکشید، می‌توانید تمام خانام را ویران کنید اما لطفاً به کتاب‌خانه و کتاب‌هایم کاری نداشته باشید.»

عباس اسدیان گزارشگر

چند روز قبل گروه طالبان مردی را در ارزگان با شکنجه به قتل رساندند که در زندگی‌اش سراسر نور و روشنایی برای مردم هدیه می‌داد. اطرافیانش به یاد می‌آوردند از وقتی که او به دنیا آمده سراسر در مسیر علم و آگاهی قدم برداشته و قلم زده است؛ از اولین روزهایی که وارد مکتب شد تا بیشتر از نیم‌قرن بعد که بازهم در یکی از ناامن‌ترین مناطق تحت تسلط طالبان به شغل معلمی مشغول بود و به شاگردانش تاریخ و فیزیک و بیولوژی درس می‌داد. او مرد آرام و بی‌آلایش بود؛ کم حرف می‌زد و بیشتر در دنیای خودش به سر می‌برد. کمی لکتت زبان داشت و وقتی با دوستانش حرف می‌زد هم مایه خنده خودش می‌شد و هم دیگران. شغل اصلی او معلمی بود اما به‌دلیل نبود خدمات صحتی لازم در محل سکونتش به طبابت یونانی هم می‌پرداخت. او عبدالله عاطفی بود.

عبدالله عاطفی به تاریخ ۱۵ میزان در سال ۱۳۳۸ در مرکز ولسوالی چورهی ولایت ارزگان به دنیا آمد. دوره متوسطه را در ولسوالی‌اش به پایان رساند و دوره لیسه را در مکتب سیدالخان ترینکوت خواند و به‌عنوان اول‌نمره از آن لیسه فارغ شد. وقتی در امتحان کانکور شرکت کرد در رشته انجنیری دانشگاه کابل کامیاب شد. بعد از اتمام اولین سمستر به‌عنوان یکی از ده دانشجوی برتر در سال ۱۳۵۷ با دریافت یک بورسیه تحصیلی به کشور اوکراین رفت و در رشته «نرژوی برق» تخصص استیشن‌های و تقطع ماستری تحصیل کرد. همزمان رشته اقتصاد را هم شبانه پیش می‌برد. نهایتاً او سه سند تحصیلی، با درجه عالی، از اوکراین به‌دست آورد: دو سند ماستری در رشته‌های محافظت از استیشن‌های برقی و اداره و تجارت و یک سند لیسانس در رشته‌ی اقتصاد. اگرچند او در این رشته‌ها تحصیل کرده بود اما به مرور متوجه شد که علاقه‌مندی و توانایی‌اش در رشته‌های علوم انسانی (خصوصاً تاریخ و اجتماعات) بیشتر از

رشته‌هایی است که در آن مدرک گرفته است. اوایل سال‌هایی که او برای ادامه تحصیل به اوکراین رفته بود اتفاقات مهم در افغانستان رخ داد؛ شوروی از افغانستان خارج شد، چپی‌ها قدرت را به‌دست گرفتند و در فاصله کمتر از ده سال چهار حاکم عوض شدند. او در این سال‌هایی که اتفاقات مهم و اغلب ناگوار در افغانستان یکی پی دیگری رخ می‌داد مصروف درس و تحصیل بود. اما همزمان وضعیت جاری در کشورش را نیز به‌دقت زیر نظر داشت. در همین سال‌ها بود که او متوجه شد به‌عنوان یک پژوهشگر، تاریخ‌نویس و یا شاید به‌عنوان یک معلم می‌تواند بهتر و بیشتر از یک انجنیر برای کشورش خدمت کند. از همین‌رو وقتی او وارد کشور شد بیشتر تمایل داشت در حوزه اجتماعات کار کند اما رشته‌ای که در آن درس خوانده بود ایجاب می‌کرد که باید بیشتر با «ماشین‌ها» سروکار داشته باشد تا «آدم‌ها».

عاطفی بعد از اتمام تحصیلات در سال ۱۳۶۴ به کابل بازگشت و در وزارت آب و برق به حیث آمر ارشد حفاظت از دستگاه‌های برقی مقرر گردید و یک سال بعد به معینیت این وزارت ارتقا یافت. همزمان با این‌ها او عضویت حزب دموکراتیک خلق افغانستان و شورای تفاهم و وحدت ملی افغانستان را نیز داشت. نتیجه‌ای نزدیک به پانزده سال حکومت مارکسیستی در افغانستان نهایتاً حاصلی نداشت جز فروپاشی کامل چیزی به نام «دولت». وقتی مجاهدین در سال ۱۳۷۱ وارد کابل شدند و داکتر نجیب، حاکم وقت افغانستان را اعدام کردند مرحله‌ای جدید تاریخ افغانستان آغاز شد؛

ناخوشایند زیادی روبرو خواهیم شد. رهبری ملی افغانستان نگرانند که ما در سال‌های آینده بی‌سروصدا از افغانستان خارج شویم - همه چیز به دوش ناتو بیفتد - و اوضاع به هم بریزد.»

به دنبال نتیجه‌گیری‌های هشداردهنده مک‌کافری، رامسفلد دوزی دیگر از واقعیت تلخ افغانستان را دریافت کرد.

در ۱۷ اگست ۲۰۰۶ مارین استرومکی، مشاور غیرنظامی موردا اعتماد وزیر دفاع گزارش محرمانه ۴۰ صفحه‌ای خود را با عنوان «لحظات تعیین‌کننده افغانستان» ارائه کرد. استرومکی پس از مک‌کافری سفر جداگانه‌ای به افغانستان داشت و در بسیاری موارد نتیجه‌گیری‌های مشابهی داشت.

اما او در گزارش خود گفته بود که در مورد قابلیت دوام و پایداری متحدان واشنگتن در کابل به‌شدت تردید دارد. به گفته وی، حکومت افغانستان ناصداق و ناتوان بود که در نتیجه آن طالبان از خلأ قدرت به میان آمده در بسیاری مناطق این کشور بهره می‌بردند. او نوشت: «این به معنای قوی‌بودن دشمن نیست، بلکه حکومت افغانستان بسیار ضعیف است.»

در همان‌زمان سفارت آمریکا در کابل با موج تازه‌ای از بدبینی داخلی دست‌وپنجه نرم می‌کرد. سفیر نیومن در ۲۹ اگست ۲۰۰۶ در پیام محرمانه‌ای به واشنگتن نوشت: «ما در افغانستان درحال پیروزی نیستیم.»

دو هفته پس از هشدار سفیر نیومن، ایکنبری در پنجمین سالگرد حملات ۱۱ سپتامبر در مصاحبه با ABC News برعکس آن‌را به مردم گفت. او تأکید کرد: «ما درحال پیروزی هستیم، اما من می‌گویم که هنوز برنده نشده‌ایم.» ایکنبری در پاسخ به این سوال که آیا امکان دارد آمریکا شکست بخورد، گفت: «باخت در افغانستان، یک گزینه نیست.»

اما اگر جنرال‌ها به سربازان خود در میدان نبرد گوش می‌دادند، احتمالاً از دیک چینین غروری دوری می‌کردند.

بریدمل جان بیکفورد، سرباز ۲۶ ساله اهل لیک پلاسید، نیویورک بیشتر سال ۲۰۰۶ را در ولایت پکتیکا در شرق افغانستان گذراند. او همراه با سربازان لشکر ۱۰ کوهستان در پایگاه Firebase Tillman مستقر بودند. نام این پایگاه برگرفته از نام بازیکن لیگ ملی فوتبال بود که پس از ۱۱ سپتامبر وارد ارتش شد و بعداً در حمله خودی کشته شد.

بیکفورد می‌گوید که جنگ در سال ۲۰۰۶ نسبت به اولین مأموریت وی سه سال پیش در شرق افغانستان «تقریباً ۱۰ برابر بدتر» شده بود. واحد او هفته چهار یا پنج بار با شورشیان درگیر می‌شد. دشمن بالغ بر ۲۰۰ جنگ‌جو را برای سقوط دادن پوسته‌های نظارتی نیروهای امریکایی بسیج کرده بود.

او در مصاحبه با تاریخ شفاهی ارتش می‌گوید: «ما می‌گفتیم طالبان را شکست دادیم، اما آن‌ها همیشه در پاکستان مصروف تجدیدگروه و برنامه‌ریزی بودند و اکنون قوی‌تر از همیشه شده‌اند. حملات و کمین‌های آنان همیشه به خوبی سازمان‌دهی شده بود و می‌دانستند که چه می‌کنند.»

در ماه اگست ۲۰۰۶ بیکفورد درحال گشت‌زنی در هاموی زرهی بود که شورشیان با نارنجک‌انداز به کاروان نیروهای امریکایی حمله کردند. یک ترکش ران راست، ساق پا، مچ پا و کف پای بیکفورد را شکافت. تیم بیکفورد حمله را دفع کردند اما دوران او به‌عنوان پیاده‌نظام ارتش به پایان رسیده بود. بیکفورد سه ماه در مرکز پزشکی والتر رید ارتش امریکا بستری بود. او در دوران نقاهت به تهدید فزاینده شورشیان فکر می‌کرد.

او می‌گفت: «آن‌ها افراد بسیار باهوش و دشمن ما هستند، اما شایسته احترام زیادی هستند و هرگز، هرگز، هرگز نباید آن‌ها را دست کم گرفت.»

کریگ ویتلاک گزارش‌گر تحقیقی واشنگتن پست با تمرکز بر مسائل امنیت ملی است. او پنتاگون را پوشش داده است، به‌عنوان رییس دفتر برلین خدمت کرده است و از بیش از ۶۰ کشور گزارش داده است. ویتلاک در سال ۱۹۹۸ به واشنگتن پست پیوست.

هشدار داد.

در این پیام نیومن با ابراز نگرانی گفت که اگر انتظارات ما مدیریت نشود، حمایت عمومی کاهش می‌یابد. او در مصاحبه خود با تاریخ شفاهی ارتش می‌گوید: «فکر می‌کردم که تلاش برای مدیریت انتظارات مردم آمریکا برای این امر مهم است که آن‌ها غافلگیر نشوند و همه چیز را عقب‌گرد نبینند.»

اما به مردم آمریکا دیک چینین چیزی گفته نشد. اندکی پس از نامه محرمانه سفیر، بوش در سفر کوتاهی به افغانستان هیچ اشاره‌ای به افزایش خشونت و خیزش دوباره طالبان نکرد. در عوض از پیشرفت‌هایی مانند برقراری دموکراسی، مطبوعات آزاد و مکتب برای دختران در افغانستان تعریف کرد. بوش در کنفرانس خبری ۱ مارچ ۲۰۰۶ به کزری گفت: «کشور شما با پیشرفت خود ما را تحت تأثیر قرار داده.»

دو هفته بعد فریکلی در نشست خبری با خبرنگاران در بگرام قوی‌شدن طالبان و القاعده را تکذیب کرد. فرمانده لشکر ۱۰ کوهستان گفت که خشونت به دلیل گرم‌ترشدن هوا افزایش یافته و نیروهایش در وضعیت تهاجمی هستند: «ما برای جنگ به سراغ دشمن می‌رویم. اگر در هفته‌ها و ماه‌های آینده شاهد افزایش خشونت بودید ناشی از عملیات‌های تهاجمی ارتش ملی افغانستان، پولیس ملی و نیروهای ائتلاف خواهد بود.» او اضافه کرد: «من به شما می‌گویم که پیشرفت در افغانستان اداره دارد و شما واقعا می‌توانید آن‌را ببینید.»

دوربین، فرمانده ارتش برای مأموریت آموزشی نیروهای افغانستان در یک کنفرانس مطبوعاتی پنتاگون در ماه می‌هما سال گزارش خوش‌بینانه‌ای از وضعیت نیروهای امنیتی افغان ارائه کرد و گفت که این نیروها «در ایجاد اختلال و نابودی» دشمنان خود مؤثر بوده‌اند و ارتش افغانستان در امر سربازگیری و جلب و جذب پیشرفت «چشم‌گیر» داشته است.

دوربین کنفرانس مطبوعاتی خود را با دعوت از روزنامه‌نگاران برای دیدن از افغانستان و قضاوت درباره عملکرد نیروهای امنیتی افغانستان، پایان داد. او گفت: «به نظرم اگر این کار را بکنید، مانند من از پیشرفت شان تحت تأثیر قرار می‌گیرید.»

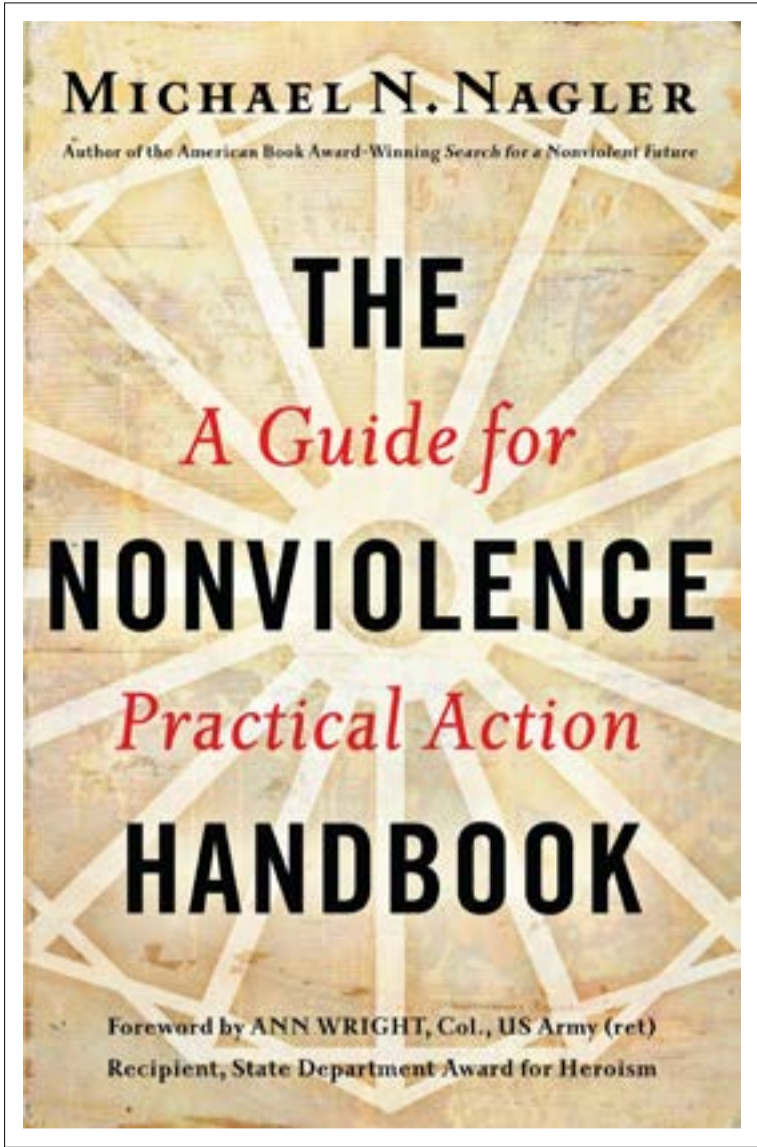
چند روز بعد به راستی شخصی آمد تا از نزدیک ببیند. بری مک‌کافری، جنرال بازنشسته ارتش امریکا قهرمان جنگ خلیج فارس بود. ارتش امریکا از وی پس از یک دهه بازنشستگی خواست تا از افغانستان و پاکستان دیدن کرده و ارزیابی مستقلی از وضعیت انجام دهد. این مأموریت علنی نشد.

مک‌کافری در طول یک هفته با ۵۰ مقام عالی‌رتبه مصاحبه کرد. او در گزارش ۹ صفحه‌ای خود از فرماندهان امریکایی تمجید می‌کند و چندین موفقیت آنان را برجسته می‌کند. اما حکم خود را صریح صادر می‌کند: طالبان به شکست حتماً نزدیک نیست و جنگ «رو به وخامت» است.

او نوشت که طالبان را آموزش دیده، تاکتیک این گروه را «تهاجمی و هوشمندانه» و سلاح این گروه را «عالی» ارزیابی کرد. او همدیک چینین افزود که شورشیان طالب نه به وحشت افتاده‌اند و نه احساس می‌کنند زمان از دست شان می‌رود. او نوشت که طالبان تا وقتی ما خارج نشده باشیم منتظر می‌مانند.

مک‌کافری گفت که ارتش افغانستان «به طرز فجیعی با کمبود منابع روبروست» و سربازان ارتش نسبت به طالبان مهمات و سلاح‌ها به مراتب کمتری دارند. او پولیس افغانستان را بی‌ارزش توصیف کرد و گفت «آن‌ها در وضعیت فاجعه‌باری قرار دارند: آن‌ها فاسد، ناشایسته، درگیر مواد مخدر و از نظر تجهیزاتی، آموزشی و رهبری ضعیف هستند.» مک‌کافری پیش‌بینی کرد که حتماً در بهترین حالت، ۱۴ سال دیگر (تا سال ۲۰۲۰) طول می‌کشد تا نیروهای امنیتی افغانستان بدون کمک ایالات متحده بتوانند فعالیت کنند.

این گزارش زنجیره فرماندهی را پیمود و به رامسفلد و فرماندهان ستاد مشترک رسید. مک‌کافری در گزارش خود هشدار داده بود: «ما در ۲۴ ماه آینده با شگفتی‌های



تا ۱۹۹۳ جریان داشت – ما کارواری پایدار مانند مبارزه‌ی آزادی هندوستان نداشتیم که بتواند در هردو قالب، یعنی سازنده و مسدودکننده عمل کند. جنبش عاری از خشونت برای این که چه وقت مسدودکننده و چه وقت سازنده باشد شیوه‌ای برای اتخاذ تصمیم داشته باشد تا بتواند به‌صورت استراتژیک تصمیم بگیرد.

مع‌هذا، یک آگاهی رو به رشد در مورد این ظرفیت و استعداد وجود دارد و وقتی که این نوع از جنبش بیش از یک‌بار رخ دهد، نوعی پیشرفت که شامل توانمندسازی شخصی تا برنامه‌ی سازنده باشد، برای سات‌یاگ‌راها در صورتی که به آن نیاز شود (و احتمالا خواهد شد) به‌وجود می‌آید، ممکن است شاهد بروز قدرت کامل عدم خشونت را برای تغییر جهان‌مان باشیم.

نکته پایانی، علم جدید به‌صورت بنیادین از تأکید بر ماتریالیسم عقلانی (و مجزابدون اشیا از یکدیگر و فقدان معنا که از لوازم چنین دیدگاهی است) به‌سوی یک تصویر تنومند از طبیعت انسان و جهانی که به‌صورت شگفت‌انگیز با سنت‌های جاویدان خرد سازگار است، تغییر جهت داده است. این تصویر از همدلی و همکاری فطری که توسط خرد و علم هردو تأیید شده است، راه را به‌مسوی یک روایت فرهنگی‌ای باز کرده است که در آن عدم خشونت همان اندازه طبیعی است که خشونت طبیعی تلقی می‌شود. اما ما می‌توانیم این قدرت را برای جهت‌دادن سرنوشت انسان به‌سوی یک هدف عالی استعمال کنیم. این کار، الزام‌آورترین چالش روزگار ما است.

پایان

نخست، ما فراگرفته‌ایم که هر فرهنگ روش‌های محلی خلاق، برای واکنش به منازعه دارند، و این که این راهبردها می‌توانند در زمینه‌ی مبارزه دوامدار عاری از خشونت فعال شوند. برای مثال، مردم بومی که نقش انتقادی را در مورد مبارزات مربوط به محیط زیست بازی می‌کنند، به سازماندهی و شبکه‌سازی در میان خودشان آغاز کرده‌اند.

دوم، ما اکنون می‌دانیم که مقاومت عاری از خشونت می‌تواند بدون رهبر کاریزماتیک خاص در صورتی که چنین شخصی در دسترس نباشد که عمدتاً چنین است، به وجود آید. اما جنبش‌ها می‌توانند توسط خارجی‌ها حمایت مادی شوند. علاوه بر این – احتمالا این سنخ از جنبش‌ها می‌تواند مهمترین انکشافی باشند که بشر به دست آورده است – مردم به‌طور بی‌سابقه می‌دانند که چگونه دیگران را از موفقیت‌ها و شکست‌هایی که در جنبش‌شان به‌دست آورده‌اند، آموزش دهند.

برای مثال، مرکز اقدامات و استراتژی‌های پیشرفته کهنه سربازان جنبش موفق اتپو را که رییس‌جمهور اسلو بودان میلوسویچ را در سال ۲۰۰۰ از قدرت ساقط کرده بودند به مصر و جاهای دیگر که درگیر مبارزات مشابه بودند، اعزام کرد. سوم، اکثریت جنبش‌ها که خشونت‌پرهیز بوده‌اند، به

نحوی از انحاء، در طی سال‌ها از زمان گاندی و کینگ – که تعدادشان زیاد است – عمدتاً مسدودکننده/کارشکنانه بوده‌اند، از قبیل موجی از قیام‌های موسوم به «انقلاب‌های رنگین» در اروپای شرقی و بهار عربی که بعداً به‌وجود آمد. تعدادی اندک تقریباً به گونه‌ای منحصربه‌فرد سازنده بوده است؛ شایع‌ترین و دراماتیک‌ترین نمونه از این سنخ جنبش‌ها، جنبش کارگران بی‌سرمزمن در برزیل بود که زمین و وسیله معاش به ده‌ها هزار خانواده می‌داد و در این روند، اتحادیه‌هایی را به‌وجود آورد – لیکن شیوه‌ای خلاق برای تعامل در مورد مقاومت صاحبان املاک نتوانستند بیابند. با اندکی استثنائات – از قبیل انتفاضه نخست در فلسطین که از سال ۱۹۸۷

درآمدی بر «مقاومت عاری از خشونت» (۷)

جنب مقابل انجام دهیم، هرچه بیشتر توانا، به تعبیر گاندی، بر «ازمیان‌بردن دشمنی لیکن نه خود دشمنان» باشیم، این قدرت و یا نیرو بیشتر دسترس‌پذیر می‌گردد. این نگرش و جهان‌نگری پیوند متقابل، به نحوه‌ای که هنوز آن را نفهمیده‌ایم، انرژی‌ها را رها می‌کند که خود به تغییرات عمیق‌تر و پایدارتر می‌انجامد.

این سخن که مقاومت عاری از خشونت صرفاً یک استراتژی نیست، به این معنا نیست که در این سنخ از مقاومت نیازی به استراتژی نیست. همان‌گونه که دیدیم، این گمان بسیار دور از حقیقت است. لیکن ویژگی برجسته‌ای مقاومت عاری از خشونت این است که با نظامی‌گری و خشونت قابل جمع نیست: رعایت دقیق این اصل، خود یک استراتژی مؤثر است. برخلاف خشونت، جایی که ما بر ایده‌ی واهی تکیه می‌کنیم که ابزار غلط می‌تواند به غایت و هدف درست ما را برساند، در مقاومت عاری از خشونت ما مجبور نیستیم که چیزی درست و مؤثرترین چیز را برای عمل‌کردن انتخاب کنیم. چون در طولانی‌مدت، مؤثرترین وسیله با روش‌های مبتنی بر عدم خشونت یکی‌اند. اگر شما، برای مثال، از یک فرصت به خاطر فروتنی نسبت به کسی صرف نظر کنید، صرفاً به این دلیل که شما به این اصل باور دارید که همگان شایسته احترام‌اند، این یک استراتژی خطا‌پذیر را برای نزدیک‌ساختن آنان، در اختیار شما قرار می‌دهد. همان‌گونه که برنده‌ی جایزه صلح نوبل آدولفو پیرز اسکویول بیان کرده است، «عمل‌فعالیت عاری از خشونت، با طراحی آگاهانه در داخل خود روندهای تغییر کاشته می‌شود، ارزش‌هایی که به آن ارزش‌ها این روندها منتهی خواهد شد. از این‌رو، نمی‌توان از راه جنگ شاهد صلح بود. نمی‌توان از شدت عمل که مردم را در عجز و ناتوانی قرار دهد، چیزی ساخت.»

جنبشی که جهان را درنوردید

در سال ۱۹۳۹ گاندی نوشت، «خوش‌بینی من متکی بر باور من به استعدادهای بی‌پایان فرد بر انکشاف‌دادن مقاومت عاری



مقاومت عاری از خشونت از سر ناگزیری نیست بلکه واقعا ما را به نوعی از قوت غیرمتعارف فرامی‌خواند. عدم خشونت، خودداری از چیزی نیست بلکه به‌کارگرفتن یک نیروی مثبت است. هرچه بیشتر توانا بر عمل بدون نفرت باشیم، هرچه بیشتر توانا بر مقاومت باشیم تا آنچه داریم انجام می‌دهیم بدون واردآوردن ضرر به جانب مقابل انجام دهیم، هرچه بیشتر توانا، به تعبیر گاندی، بر «زمیان‌بردن دشمنی لیکن نه خود دشمنان» باشیم، این قدرت و یا نیرو بیشتر دسترس‌پذیر می‌گردد.

از خشونت است. به میزانی که شما بیشتر آن را در وجود خود توسعه می‌دهید، باعث جذابیت بیشتر و به دیگران سرایت می‌کند تا این که تمامی اطرافیان شما را فرا می‌گیرد و سرانجام ممکن است فراگیر شده و جهان را درنوردد. طی سال‌ها از زمانی که گاندی این واژه‌ها را نوشت، هرچند این سال‌ها آغشته در خشونت بوده است، جهان نیز شروع کرد که شاهد چنین بیداری باشد. در واقع، حدس زده می‌شود که بیش از نصف جهان اکنون در جامعه‌ای زندگی می‌کنند که به گونه‌ای چشم‌گیر تحت تأثیر جنبش عاری از خشونت است.

تاریخ جدید مقاومت عاری از خشونت، با چندین تغییرات کیفی، کمک شده است که بالقوه کمک بزرگی است به «درنوردیدن جهان»

کینگ توضیحاتی را در مورد این روند تغییر ماهیت در ذیل اظهاراتی که پیش از این از او نقل کردیم (و سزاوار تکرار می‌باشد) افزوده است و آن این که فعالان حقوق مدنی خشم خود را کنترل کردند و آن را تحت نظم و کنترل، برای به حداکثر رساندن مؤثریت‌شان آزاد کردند. با دیدن از این منظر، این نکته با طی فراز و فرود، واضح می‌شود که قدرت مقاومت عاری از خشونت یک استعداد ذاتی در وجود ما بوده و اگر ما تمایل به عمل از جایگاه خشم و ترس را کنترل کنیم، می‌تواند رها گردد. اگر ما مقاومت عاری از خشونت را به‌عنوان نیرویی که توسط تبدیل یک محرک منفی از قبیل ترس و خشم که اگر به‌صورت خام بیان شود مردم را دچار گسست و تجزیه می‌کند و رها می‌شود، تعریف کنیم، عکس آن این است که خود این نیروهای منفی و ابراز آن‌ها، به‌عنوان خشونت شناخته می‌شوند.

نحوه‌ای از بودن و زندگی کردن

بنابراین مقاومت عاری از خشونت یک مفهوم انتزاعی اخلاقی و یا فلسفی نیست. همچنین فقط سلسله‌ای از تاکتیک‌ها و روش محض هم نیست. مردم برای آزادی‌شان می‌جنگند و تغییراتی درخشان و مؤثری را صرفاً با برداشتن اسلحه به‌وجود آورده‌اند. همان‌گونه که یک معترض یمنی در سال ۲۰۱۲ به یکی از دوستانم گفته است «آن‌ها نمی‌توانند ما را شکست دهند چون ما تفنگ‌های خود را در خانه گذاشته‌ایم!» لیکن تغییرات عمیق‌تر و پایدارتر زمانی رخ می‌دهد که ما نفرت خود را درخانه بگذاریم.

همین که این مسیر را مدیریت کنیم – و من امیدوارم که این کتاب برخی از بصیرت‌ها را در مورد این که این مسیر را چگونه طی کنیم – می‌توانیم خشونت را در جهان امروزین خود در پرتو یک فهم و درک واضح اما در عین حال خوشبینانه‌تر و انتقادی‌تر ببینیم. تمامی این خشم، چه توسط رسانه‌های جمعی و چه توسط نابرابری‌های شدید اقتصادی برانگیخته شده باشد و یا توسط هرچیزی دیگر، ماده خام برای مقاومت عاری از خشونت است! اما ابراز این خشم در صورت خام آن، یک ضایعه خواهد بود.

بسیاری از مردم مقاومت عاری از خشونت را به‌مثابه یک تاکتیک می‌بینند که وقتی مقاومت‌گران، انتخاب بهتر نداشته باشند، برگزیده می‌شود. این ناگزیری از نگاه آنان یا به این دلیل است که هرگونه خشونت از جانب مقابل با واکنش وحشیانه مواجه خواهد شد و یا صرفاً به این دلیل است که مهمات جنگی لازمه را برای خشونت در اختیار خود ندارند، لذا غالباً برای خود این حق را محفوظ

می‌دانند، که اگر به موفقیت نرسیدند، به خشونت برگردند. اما شایستگی راهبرد عدم خشونت هرچه بوده باشد – و به مرور شایستگی آن بهتر از گذشته درک می‌شود و نسبت به خشونت به شجاعت بیشتر نیاز دارد – من امیدوارم که واضح کرده باشم وقتی مقاومت عاری از خشونت را به‌عنوان یک اصل، شیوه‌ای از بودن در جهان اتخاذ کنیم، بسیار بیشتر می‌توانیم پیش برویم. در این راهبرد، مقاومت عاری از خشونت از سر ناگزیری نیست بلکه واقعا ما را به نوعی از قوت غیرمتعارف فرامی‌خواند. عدم خشونت، خودداری از چیزی نیست بلکه به‌کارگرفتن یک نیروی مثبت است. هرچه بیشتر توانا بر عمل بدون نفرت باشیم، هرچه بیشتر توانا بر مقاومت باشیم تا آنچه داریم انجام می‌دهیم بدون واردآوردن ضرر به

مایکل ان. ناگلر

مترجم: محمدامین احمدی

چه چیز را آموختیم؟

مقاومت عاری از خشونت، یک ظرفیت فطری طبیعت آدمی است. یک تعهد اخلاقی نیست؛ در حد بسیار اندک یک مفهوم انتزاعی فلسفی است. مقاومت عاری از خشونت حداقل از نوعی که من در این‌جا ارائه کردم، یک انرژی‌ای است که در تمامی موجودات زنده، عمل می‌کند. می‌تواند فهمیده شود، پیش‌بینی گردد و مانند بسیاری دیگر از نیروهای موجود در طبیعت مهار شود. احتمالاً مهمترین چیزی که در باب مقاومت عاری از خشونت نیاز داریم بدانیم این است که عدم خشونت مانند هر نیروی مثبت دیگر فقدان چیزی نیست. عدم خشونت نیروی عشق است، هرچند ممکن است در مواردی این گونه درک نشود. جنبش حقوقی مدنی ایالات متحده آمریکا، آن‌گونه که کینگ توضیح می‌دهد، موجب طغیان خشم نشد بلکه «خشم‌شان را تحت نظم و کنترل، برای به حداکثر رسانیدن تأثیرگذاری جنبش‌شان ابراز کردند.» این نظم و انضباط نگهدارنده خشم، کاری از نوع سرکوب نیست. وقتی که ما این نظم را به‌درستی در مورد خشم خود به کار می‌گیریم، به ما این توانایی را می‌دهد که خشم خود را به یک نیروی خلاق تبدیل کنیم. عدم خشونت قدرتی است که با تغییردادن محرک منفی، آزاد می‌گردد.

تحول انرژی‌های منفی و یا نفاق‌افکن در وجود انسان فقط یک روند رشد برای فرد نیست؛ یک تأثیر عجیب بر مخالفان دارد – تأثیری که از طریق تهدید و ابزار جنگی نمی‌توان به آن رسید. در جریان انقلاب موفقیت‌آمیز قدرت مردم فیلیپین در سال ۱۹۸۶ – که فقط یک نمونه از هزاران است که می‌توانیم ذکر کنیم – سربازان فرمان‌های مستقیم فرماندهان خود را نادیده گرفتند و از گشودن آتش بر معترضان آرام خودداری می‌کنند. در بسیاری موارد قلب آن‌ها شکست و دستخوش رقت شدند و صحنه را ترک کردند.

کنث بولدینگ، یکی از بنیانگذاران مطالعات مدرن صلح، با توجه به این تأثیراتی که توضیح داده شد، اصطلاح «قدرت همبستگی‌آفرین» را ابداع کرده است که آن را با «قدرت تهدید» و «قدرت مبادله» مقایسه می‌کند. قدرت همبستگی‌آفرین، قدرتی است وقتی که ما تعهد خود را به حقیقت داشتن پیوند متقابل میان‌مان، اظهار می‌کنیم و به آن باور می‌کنیم، آزاد می‌شود، حتا در همان حالی که مخالفان ما دارند این حقیقت را نقض می‌کنند و شاید حتا علیه اشخاص ما نیز خشونت می‌ورزند. مخالفان خود را از بنیاد متفاوت از ما می‌دانند، در حالی که ما میان خود و آنان وحدت می‌بینیم که آنان بصیرت خود را نسبت به آن از دست داده‌اند، و به کمک آن می‌توانیم کمک کنیم که آن‌ها نیز این وحدت را ببینند. بولدینگ چنین نتیجه‌گیری می‌کند که هردو جانب در پایان نزدیک‌تر می‌شوند. وقتی که ما محرک‌های تفرقه‌افکن را در خودمان به خاطر همین هدف کنترل می‌کنیم، در این صورت «کنترل» به معنای «سرکوب» نیست. گاندی کاملاً این دینامیک را می‌شناخت: «من از طریق تجربه‌های بهتر یک درس بسیار عالی برای کنترل خشم خود، آموختم و چنان‌که نفرت انباشته شده می‌تواند به انرژی تبدیل شود، در عین حال خشم کنترل‌شده می‌تواند به قدرتی تبدیل شود که جهان را تغییر دهد.»



سیاسی در غرب افغانستان است. او فرماندهی جنگ علیه شوروی پیشین و همچنین حکومت کمونیستی را بر عهده داشته و به عنوان والی هرات و وزیر انرژی و آب در دوران ریاست جمهوری حامد کرزی کار کرده است.

هرات چگونه سقوط کرد؟

گروه طالبان حملاتشان را در ولسوالی های هرات شدت بخشیدند و به آسانی توانستند که کنترل ۱۷ ولسوالی هرات را به دست بگیرند. حکومت طی یک ماه گذشته در شهر هرات و بخش های از ولسوالی های انجیل و گذره کنترل داشت و رفته رفته طالبان به سمت شهر پیشروی داشتند.

برای دو هفته متوالی جنگ شدید در قسمت های جنوب، غرب و شرق هرات به شدت جریان داشت و شمار زیادی از خانواده ها نیز آواره شده اند.

بارها هراتیان از سقوط شهر هرات به دست طالبان هشدار داده بودند، اما به گفته ی هراتیان، حکومت مرکزی خطر سقوط هرات را جدی نگرفت.

روز پنجشنبه ۲۱ اسد نیروهای ارتش ملی و کماندو میدان هوایی شیندند هرات را ترک کردند. این میدان، یکی از بزرگترین میدان های هوایی نظامی کشور است.

یک منبع معتبر محلی به روزنامه اطلاعات روز گفته بود که حدود ۸۰۰ نیروی دولتی به شمول کماندوها، جهت تقویت کمربندهای امنیتی به شهر هرات می آیند: «این نیروها اگر به هرات بیایند، ما می توانیم که طالب را شکست بدهیم و حتا گمرک های اسلامقلعه و تورغندی را دوباره از طالبان بگیریم.»

خبر اعزام صدها نیروی تازه نفس در میان کاربران شبکه های اجتماعی مثل بمب ترکیب و هراتیان امیدوار به عقب زدن طالبان شدند، اما بی خبر از این که این نیروها مقصد آمدن شان قول اردوی ۲۰۷ ظفر است، نه شهر هرات. با وجود این، هراتیان، نیروهای دولتی و مقاومت مردمی در انتظار این نیروها بودند، تا هرات سقوط کرد.

نخستین روز زیر سایه امارت

جنگجویان گروه طالبان در شهر هرات حضور گسترده دارند. برای برخی از هراتیان دیدار نزدیک از جنگجویان پرجاذبه است؛ چرا که برای اولین بار در طول عمرشان با این گروه مواجه شده اند.

ساکنان هرات در حال عکس سلفی گرفتن با

واجد روحانی - هرات

گزارشگر

در چشم بهرم زدن ولایت های هرات، بادغیس و غور به گونه ی کامل روز پنجشنبه، ۲۱ اسد به دست طالبان سقوط کرد و دو روز قبل هم ولایت فراه به کنترل طالبان درآمد. مقام های ارشد محلی، امنیتی، دفاعی و استخباراتی هرات با پیش روی طالبان به سمت مرکز شهر هرات، با شمار زیادی از موترهای رینجر و تانک های هاموی از طریق سرک بای پس به قول اردوی ۲۰۷ ظفر عقب نشینی کرده بودند و این پایگاه نیز به دست طالبان سقوط کرد. کمی قبل تر از آن میدان هوایی هرات نیز به کنترل طالبان درآمد.

عکس ها و ویدیو هایی که در شبکه های اجتماعی به نشر رسیده نشان می دهد که طالبان کنترل ساختمان های مقام ولایت، فرماندهی پولیس، ریاست امنیت ملی، زندان مرکزی هرات و لوی پنجم سرحدی را به دست گرفته اند.

در سراسر هرات سقوط شهر هرات به دست طالبان، این گروه از تسلیم شدن مقام های ارشد خبر دادند.

بر بنیاد اعلامیه ی این گروه، محمد اسماعیل خان، فرمانده نیروهای مقاومت مردمی در هرات، عبدالرحمان، معین ارشد وزارت داخله، خیال نبی احمدزی، فرمانده قول اردو ۲۰۷ ظفر در غرب کشور، عبدالصبور قانع، والی هرات، حبیب صدیقی، رییس امنیت ملی با شمار زیادی از نیروهای دولتی و مقاومت مردمی با امارت اسلامی یکجا شدند.

برخی از جنگجویان گروه طالبان با محمد اسماعیل خان عکس سلفی نیز گرفتند.

ویدیویی که از خانه محمد اسماعیل خان در هرات به نشر رسیده، نشان می دهد که شماری از جنگجویان طالبان در این خانه حضور دارند. فرمانده مقاومت مردمی هرات در صحبت با خبرنگار وابسته به طالبان، همه طرف های درگیر جنگ را به برقراری صلح و ختم جنگ دعوت می کند: «مردم در پهلو ی یکدیگر زندگی مرفه داشته باشند. امیدوارم که تمام برادران فضای صلح برای ختم جنگ ایجاد کنند.»

پس از گسترش جنگ در هرات، محمد اسماعیل خان، رهبری نیروهای بسیج مردمی علیه طالب را بر عهده گرفت. او توانست شمار زیادی از هراتیان را در جنگ با طالبان در هرات بسیج کند، اما این بسیج جلو تحرک طالبان را نتوانست بگیرد.

محمد اسماعیل خان از چهره های مطرح

خبر خارجی

شمار کشته شدگان سیل در شمال ترکیه به ۲۷ نفر رسید

اطلاعات روز: باران های شدید در سواحل دریای سیاه باعث جاری شدن سیلی شدید در ولایات ساحلی این کشور شد. به گزارش خبرگزاری اسوشیتد پرس، مقامات ترکیه می گویند که تیم های جستجو و نجات ۱۰ جسد دیگر را در طول شب پیدا کرده اند و شمار کشته شدگان سیل شدید و رانش گل و لای که در شمال این کشور رخ داد، به ۲۷ نفر رسید. سیل روز چهارشنبه ولایات ساحلی بارتین، کاستامونو، سینوپ و سامسون در دریای سیاه را در بر گرفت و خانه ها و پل ها را خراب کرد و موترها را با خود برد. برق تمام روستاها قطع شده است.

صدها نفر با چرخ بال به محل امن منتقل شدند. ریاست مدیریت بلایا و فوریت ها، گفت که امدادگران ۱۰ جسد دیگر را در بدترین آسیب کاستامونو پیدا کردند و تعداد کشته شدگان به ۲۷ نفر رسید.

یک زن ۸۰ ساله نیز در ولایت بارتین مفقود شده است. ترکیه با خشک سالی و بلاای طبیعی دست و پنجه نرم می کند و دانشمندان جهان معتقدند بحران اقلیم این بلایا را تشدید خواهد کرد.

اطلاعات روز: یک حادثه تیراندازی در شهر پلیموث، در جنوب غربی انگلستان، شش کشته بر جای گذاشته است که عامل تیراندازی هم در میان آنان است. او در ویدئو هایی که قبلا هم رسانای کرده بود از تنهایی گلایه داشت.

به گزارش بی بی سی فارسی، پولیس محلی اعلام کرده که دو زن و دو مرد در محل تیراندازی جانشان را از دست دادند و یک قربانی زن دیگر هم پس از انتقال به بیمارستان درگذشت.

بنا به اعلام یک نماینده پارلمان بریتانیا یکی از قربانیان کمتر از ۱۰ سال سن داشته است.

جانی مرسو، از نمایندگان پلیموث در پارلمان بریتانیا گفته که حادثه «تورپستی نبوده» است.

این تیراندازی عصر پنجشنبه رخ داد. پولیس جیک دیویسون ۲۲ ساله را عامل حمله معرفی کرده است.

او در ویدئو هایی که در هفته های قبل از تیراندازی روی یوتیوب منتشر کرده بود می گفت زندگی به او بد کرده و «خرد و خمیر» شده است.

این مرد جوان می گفت تنها است و نمی تواند با زنان ارتباط برقرار کند. جیک دیویسون به گروه های «اینسل» هم

سقوط هرات؛

شکست مقاومت مردمی و زندگی زیر پرچم طالبان



ساکنان هرات در حال عکس سلفی گرفتن با طالبان هستند و طالبان نیز با گرمی با مردم صحبت می کنند. احمد یکی از باشندگان هرات از ختم جنگ در شهر هرات خوشحال است: «دو هفته در منطقه کارته هرات جنگ شب و روز دوام داشت و ما خانه خود را ترک کردیم و حالا خوب است که جنگ ختم شده است.»

دولتی و کارمندان دولتی خواسته اند که «امان نامه» دریافت کنند. گروه طالبان در ریاست حج و اوقاف هرات روند توزیع «امان نامه» را آغاز کرده اند و در روز نخست حضور هراتیان برای دریافت این برگه پررنگ بوده است.

در یک عکس دیده می شود که کامران علیزایی، رییس شورای ولایتی هرات از ریاست حج و اوقاف محل توزیع امان نامه بیرون می شود. آقای علیزایی نیز به گروه طالبان تسلیم شد و پیش تر شمار زیادی از نمایندگان مردم هرات در شورای ولایتی نیز از هرات فرار کرده اند. گروه طالبان چهره دو تن از هراتیان را به اتهام سرقت در هرات سیاه کرده اند و آنان را در شهر چرخانند. این در حالی است که در شهر هرات

طالبان هستند و طالبان نیز با گرمی با مردم صحبت می کنند. احمد یکی از باشندگان هرات از ختم جنگ در شهر هرات خوشحال است: «دو هفته در منطقه کارته هرات جنگ شب و روز دوام داشت و ما خانه خود را ترک کردیم و حالا خوب است که جنگ ختم شده است.» مردم در شهر حضور دارند و زنان نیز با پوشش چادری در شهر گشت و گذار کرده اند. این در حالی است که زنان هرات نگران تحمیل پوشش برقع از سوی طالبان بوده اند. اما ذبیح الله مجاهد، سخنگوی گروه طالبان به روزنامه اطلاعات روز می گوید که هیچ اجباری برای پوشیدن برقع از سوی زنان وجود ندارد، اما آنان باید حجاب مبتنی بر شریعت اسلامی را مراعات کنند. گروه طالبان با نشر یک اعلامیه، از نیروهای

آمار سرقت های مسلحانه بلند بود. هراتیان از برخورد با سارقان استقبال می کنند. از ترس حضور طالبان در هرات، رسانه های شینداری و دیداری هرات از عصر روز پنجشنبه تاکنون نشراتشان را متوقف کرده اند.

یک تن از مدیران رسانه های هرات به شرط افشاشدن هویت اش به روزنامه اطلاعات روز می گوید که آنان به دلیل هجوم جنگجویان طالبان به رسانه ها و همچنین جلوگیری از چور و چپاول تجهیزاتشان، نشرات را متوقف کرده است.

او امیدوار است که با تفاهم گروه طالبان و نرمش در رفتار این گروه در مقابل اهل رسانه بتواند، نشراتش را از سر بگیرد.

در این میان، ذبیح الله مجاهد، سخنگوی گروه طالبان به روزنامه اطلاعات روز می گوید که آنان از فعالیت رسانه های آزاد حمایت می کنند و هیچ تهدیدی متوجه این رسانه ها نیست. هرات، پس از کابل پایتخت بیشترین شمار رسانه های آزاد را دارد. پیش از سقوط هرات به دست طالبان بیش از ۲۰ رادیو و تلویزیون در این ولایت نشرات داشتند.

با همه ی این ها، هر چند سقوط هرات باعث چور و چپاول جای داده نشد، اما برخی از هراتیان از روزی می ترسند که طالبان بر زندگی شان محدودیت های شدید مانند نیمه دوم دهه ۹۰ میلادی وضع کنند.

هر چند طالبان تأکید دارند که نسبت به گذشته تغییر کرده اند و مانع آموزش و کار زنان نمی شوند.

تیراندازی مرگبار در انگلستان؛ مهاجم از تنهایی گلایه داشت



اشاره می کرد؛ گروه های اینترنتی از مردان جوان با اورهای زن ستیزانه که خود را «مجرد ناخواسته» می خوانند و زنان را در تنهایی خودشان مقصر می دانند. آنها پیش از این هم

در حملات مرگبار دیگری نقش داشته اند. جیک دیویسون در یکی از ویدئو های گفته بود دوست دارد خودش را شبیه «ترمیناتور» ببیند. او گفته بود: «می دانم که این فقط یک فیلم است، اما گاهی دوست دارم فکر کنم من ترمیناتوری چیزی هستم. کسی که با وجود نابودی کامل سیستمش همچنان موفق به انجام ماموریتش می شود.»

یک شاهد عینی در مصاحبه با بی بی سی این رویداد را «وحشتناک و غم انگیز» توصیف کرد و گفت اول صدای داد و فریادی شنیده شد و بعد صدای شلیک سه یا چهار گلوله. او گفت: «بعد مهاجم با لگد در خانه های را باز کرد و شروع کرد به تیراندازی تصادفی. بعد پا به فرار گذاشت و همان طور که می دوید به چند نفر دیگر هم شلیک کرد.»

یک شاهد عینی دیگر گفت در حال قدم زدن مردی تفنگ به دست را دید که لباس یکدست سیاه پوشیده بود.

مقام ها از مردم خواستند که در خانه هایشان بمانند و اگر تصاویری از حمله دارند آن را در اختیار پولیس بگذارند و در شبکه های اجتماعی هم رسانی نکنند.

پریتی پاتل، وزیر کشور و چند نفر دیگر از مقام های بریتانیایی با قربانیان حادثه ابراز همدردی کرده اند.

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی

zaki.daryabi2@gmail.com

سردبیر چاپی: خادم حسین کریمی

سردبیر آنلاین: لیلیاس نواندیش

گزارشگران و خبرنگاران: ایوذر ملک نژاد، جلیل رونق، سهراب سروش، عابر شایگان، عباس اسدیان، معصومه جعفری، عصمت الله سروش، لطف علی سلطانی، لیاقت لایق، هادی خوشنویس،

واجد روحانی، فریضه عالمی و سکینه امیری

بخش صلح: حسین علی کریمی، عباس عارفی و فاطمه فرامرز

مترجم: جلیل پژواک

ویراستار: شیر مهریار

صفحه آرا: محمد رضا مظفری

ارتباطات و روابط عمومی: محمد حسین جویا

ایمیل: dailytilaatroz@gmail.com

آدرس: کابل، کارته سه

شماره تماس: ۰۷۶۷۴۳۵۷۷۷ - ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲

شماره تماس: ۰۷۲۲۹۱۱۹۵۵۱ - ۰۲۰۲۵۰۰۸۷

توزیع: کانون فرهنگی زنگ صبح ۰۷۴۴۰۲۱۹۵۲

mjoya.dailytilaatroz@gmail.com

از مقدار کمک‌ها را در صفحه‌ی دانشگاه پولی‌تخنیک ارائه خواهد کرد. او همچنین اضافه می‌کند: «با توجه به نگرانی حامیان، ما مقداری کمک‌ها را گزارش می‌کنیم و همین‌طور از رسیدن آن به دست بی‌جاشدگان نیز گزارش می‌دهیم.»
 خالد نورا می‌گوید که هر چند نگرانی‌ها درست است، اما با توجه به اوضاع کنونی شاید هیچ فردی چنین جسارت را نکند که خودش را از آوارگان جنگ مستحق‌تر بداند که «زندگی من و دوستانم را همه می‌دانند که چگونه است. ما برای اطمینان همکاران مان، از کمک‌ها و نحوه‌ی رساندن آن به دست آوارگان گزارش مستند و شفاف می‌دهیم.
 در همین حال، وزارت مهاجرین می‌گوید که کمک‌رسانی پراکنده به آوارگان موثریت منابع را هدر می‌دهد. رضا باهر معاون سخن‌گوی این وزارت به روزنامه اطلاعات روز می‌گوید: «ما از کمک‌های مردمی استقبال می‌کنیم. برای انسجام و موثریت کمک‌های مردمی، کمیته‌ای را ایجاد کرده‌ایم تا به شکل درست کمک‌های مردمی را در داخل و خارج افغانستان مدیریت کند و به دست مهاجران برساند.»

فراخوان کمک از سوی دولت

جنگ در سه ماه اخیر در افغانستان همزمان با آغاز خروج نیروهای خارجی از این کشور، شدت گرفته است. طالبان توانسته‌اند در این مدت کنترل نه ولایت را به‌دست بگیرند. رییس‌جمهور اشرف غنی این وضعیت را غیرمترقبه خوانده و وعده سپرده است که در شش ماه آینده وضعیت کشور را به حالت ثبات برگرداند. حکومت اعلام کرده است که برای مقابله با طالبان، نیروهای خیزش مردمی را نیز در چارچوب نیروهای امنیتی و دفاعی تجهیز و منسجم می‌کند.
 این درحالی است که در نتیجه‌ی درگیری میان نظامیان دولتی و طالبان در سراسر کشور، هزاران خانواده، خانه‌هایشان را از دست داده و آواره‌ی مناطق امن‌تر شده‌اند. حکومت برای رسیدگی به وضع بی‌جاشدگان از جامعه جهانی خواهان کمک شده است.

طبق آمار وزارت مهاجرین، طی سال روان به دلیل ناامنی‌ها، ۶۳ هزار خانواده بی‌جا شده‌اند. رضا باهر، معاون سخن‌گوی این وزارت می‌گوید: «در طی سال روان ۶۳ هزار خانواده بیجا شده‌اند که اگر هر خانواده را هفت نفر فکر کنیم، ۴۴۰ هزار نفر در حال حاضر در کشور آواره‌ی جنگی داریم.»

به گفته‌ی آقای باهر، در نتیجه‌ی شدت گرفتن درگیری‌ها تنها در ۱۵ روز گذشته، پنج هزار و ۳۰۰ خانواده بی‌جا شده‌اند.

در همین حال، وزارت ارشاد، حج و اوقاف کشور برای کمک‌رسانی به آوارگان جنگی، فراخوان عمومی داده است. این وزارت از همه مردم، به‌ویژه از مردم شهر کابل خواسته است که به اندازه‌ی توان، بی‌جاشدگان را کمک کنند.

کابل شهر آشفته با جمعیت شش میلیونی که مرکز تعاملات قدرت است، ۱۷ هزار خانواده‌ی آواره‌ی جنگ را میزبانی می‌کند. این شمار ممکن است در روزهای آینده افزایش یابد. این که آیا کابل به‌عنوان مرکز قدرت، می‌تواند «حتا اتاق کوچکی» را برای آواره‌های جنگ فراهم کند تا آنان نفس‌شان را نگهدارند یا نه، معلوم نیست.

بی‌جاشدگان آن را در کجا و با چه هزینه‌ای باید بپزند. در کنار این، مسایل بهداشت چه می‌شود.»

مهمانان کابل

بی‌سرپناهی و وضعیت بدی که بی‌جاشدگان در کابل با آن دست به گریبان اند، این وضعیت سبب شده تا شماری در شهر کابل در کنار وزارت‌ها و نهادهای مسئول، برای کمک به بی‌جاشدگان دست به کار شوند.
 شهروندان با راه‌اندازی کمپین‌هایی، به جمع‌آوری کمک‌های مردمی برای این بی‌جاشدگان رو آورده‌اند. مهدیه نظری یکی از این افراد است. او به روزنامه اطلاعات روز می‌گوید: «درحالی که ما زندگی عادی مان را داریم یک شمار زیادی از هموطنان مان بی‌خانمان، بدون آب و غذا و در بدترین وضعیت ممکن روزگار می‌گذرانند. ما باید در چنین روزی با اندک‌ترین امکانات دست همدیگر را بگیریم.»

نظری دانشجوی دانشگاه پولی‌تخنیک کابل است. او برای جمع‌آوری کمک روز سه‌شنبه کمپینی را در بین دانشجویان این دانشگاه راه انداخته و از دانشجویان خواسته است با اختصاص دست‌کم ده افغانی به بی‌جاشدگان، آنان را در وضعیت دشواری که جنگ زندگی‌شان را نابود کرده است، یاری کنند.

نظری می‌گوید که این کمپین با استقبال خوبی روبه‌رو شده است و در کنار دانشجویان، مردم مسؤلان دانشگاه نیز به اندازه‌ی توان در آن سهم گرفته‌اند: «استقبال خوب است. امروز در کنار پول وسایل نیز برای بی‌جاشدگان آورده‌اند.»

این سو در یکی از خیابان‌های پرتدد در پل‌سرخ سفره‌ی دیگری با این نوشته پهن شده است: «هر آن چیزی که می‌دانید به درد یک بی‌جاشده می‌خورد را با خود بیاورید.»

روی سفره در این خیابان، مردم نان خشک، انواع کنسرو، آب معدنی، لباس، پول نقد، فرش و اندک لوازم بهداشت آورده‌اند. خالد نورا با شماری از دوستانش این سفره را پهن کرده است. او می‌گوید که بی‌جاشدگان جنگ به امید مردم خانه و دار و ندار شان را ترک کرده‌اند: «آدمی باید در چنین روزی دست یکدیگرشان را بگیرند و از رنج آنان کم کنند.»

در کنار این کمک‌رسانی، شماری به نیازهای آموزشی و بهداشتی کودکان آواره‌ی جنگ نیز پرداخته‌اند. مهدیه نظری می‌گوید که شماری از دانشجویان برای ارائه خدمات آموزشی برای کودکان آواره داوطلب‌اند.

افزون بر این، شماری از شهروندان نیز کمپینی راه انداخته‌اند که در آن از مردم خواسته شده تا نذر ماه محرم‌شان را مانند سال گذشته به بی‌جاشدگان اختصاص دهند و اندکی از مشکلات آنان را به این ترتیب رفع کنند.

حساب‌دهی

همزمان با جمع‌آوری کمک به شکل پراکنده، شهروندان نگرانند که مبدا کمک‌های مردمی به بی‌جاشدگان و آواره‌های جنگی نرسد و در مسیر راه حیف‌ومیل شود.

مهدیه نظری، مسئول جمع‌آوری کمک از دانشجویان می‌گوید که او برای شفافیت روند کمک‌رسانی به بی‌جاشدگان، گزارش مفصل



عکس از توپتر خلیل نوری

جنگ و آوارگی؛

از فراخوان حکومت تا راه‌اندازی کارزار جمع‌آوری کمک به بی‌جاشدگان

سکینه امیری
 گزارش

مأیوس و بی‌رمق به درختی تکیه داده و بی‌توجه به گریه‌ی کودکان اطرافش به فکر فرو رفته بود. این که او به اندوخته‌ی زندگی‌اش می‌انداخت که در زیر رگبار مانده و یا به آینده‌ی مبهم فرزندانش، معلوم نیست.

احمد جاوید با خانواده‌ی شش نفری‌اش بعد از آن راهی کابل شد که جنگ در قندوز شدت گرفت. در گرمای ۳۵ درجه‌ی کابل بدون هیچ‌گونه امکانات رفاهی در پارک آزادی در سرای شمالی به سایه‌ی درختان پناه آورده‌اند. او می‌گوید: «از میدان پخته قندوز آمدیم. ما یک شب و یک روز زیر جنگ شدید گیر ماندیم. از ترس بدتر شدن وضعیت از آن‌جا به سمت پشت محبس گریختیم. اما طالب‌ها زود آنجا را هم گرفتند و به‌سوی میدان هوایی رفتیم، جایی که بسیاری مردم اطراف شهر آن‌جا بودند. اما طالب‌ها پیشروی کردند. ناچار از زیر باران مرمی گریختیم و نصف شب به سرای شمالی رسیدیم. نه یک روپیه دارم و نه هم کسی را دارم که بتواند پول قرض بدهد. من گرسنگی را تحمل می‌کنم، اما فرزندانم نمی‌توانند.»

او به پنج کودک اشاره می‌کند که قد و نیم قد و ناآرام‌اند. می‌گوید: «چطور به چشم اولادهایم نگاه کنیم، می‌بینی که از گشتگی گریه می‌کنند. فکرم کار نمی‌کند، کاش همگی ما می‌مردیم.» احمد جاوید مانند بسیاری از آواره‌های جنگ، تنها نفس‌های‌شان را غنیمت دانسته و به جمع بزرگ بی‌جاشدگان در کابل پیوسته است.

پارک‌های شهر

براساس آمارهای رسمی، از میان ۶۳ هزار

خانواده‌ی بی‌جاشده، تنها کابل ۱۷ هزار خانواده‌ی آواره از جنگ‌های اخیر را میزبانی می‌کند. وزارت دولت در امور رسیدگی به حوادث پیش‌بینی می‌کند که به رسیدن دیگر بی‌جاشدگان، شمار آنان در شهر کابل به ۳۰ هزار خانواده برسد.

بی‌جاشدگان در فضای باز و در تجمعات بزرگ در پارک‌های شهر کابل اقامت گزیده‌اند. سایه‌ی درختان و فضای آن بدون هیچ‌گونه امکانات رفاهی سرپناه‌ی و قابل دسترس برای بی‌جاشدگان است. بی‌جاشدگان سرکوتل خیرخانه در شمال کابل، پارک آزادی در سرای شمالی و پارک شهرنو در قلب پایتخت تجمع کرده‌اند.

وزارت دولت در امور رسیدگی به حوادث و وزارت مهاجرین همراه با ولایت کابل یک کمیته‌ی مشترک اضطرار را برای رسیدگی به بی‌جاشدگان ایجاد کرده است. رضا باهر، معاون سخن‌گوی وزارت مهاجرین می‌گوید که هرچند این کمیته تصمیم داشت که کمی‌ی را برای ده هزار خانواده در ساحه باریک آب برای مهاجرین ایجاد کند، اما به دلایل امنیتی و به خواست نهادهای کمک‌کننده از این تصمیم صرف نظر شده است. به گفته‌ی آقای باهر، قرار است که این کمیته در محل تجمع بی‌جاشدگان (در پارک‌های شهر) برای آنان سرپناه ایجاد کند.

در همین حال، ام‌الله صالح، معاون نخست ریاست‌جمهوری کشور می‌گوید که به محمدقاسم حلیمی، وزیر ارشاد، حج و اوقاف هدایت داده است تا دروازه‌های مساجد در کابل را به‌روی آوارگان جنگ باز کند. آقای صالح در یک یادداشت فیس‌بوكی نوشته است که به تمامی حوزه‌های امنیتی و پولیس در کابل هم دستور می‌دهد که مانع ورود این آوارگان به



F45

فروشگاه F45

افتتاح شد!



سرک عمومی قلعه فتح الله، بین سرک ۸ و ۹، سعادت پلازا، کابل - افغانستان.

www.F45.af/info